سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا
بخش [illegible] نشریات ادواری
۳۶۳۵۸ ۹۲





پیاده نظام

مرکز انتشار اداره تعلیمات پیاده

شماره ۱ سال یکم

دی. ماه ۱۳۱۵

فهرست مندرجات

قیمت اشتراك: درایران برای نظامیان ٤۰ ریال و برای غیر نظامیان ٥۰ ریال

و در خارج باضافه تمبر پست

تك شماره ٤ ریال

« از شاهنامه »

رزم پیاده رستم با اشکبوس

پیاده ندیدی که جنگ آورد / سر سرکشان زیر سنگ آورد !

تهمتن بر آشفت و با طوس گفت / که رُهّام را جام باده است جفت
تو قلب سپه را به آئین بدار / من اکنون **پیاده** کنم کار زار
کمان را ببازو بزه بر فکند / به بند کمر بر بزد تیر چند
یکی تیر در دست رنگ آبنوس / خرامید و آمد بر اشکبوس
خروشید کای مرد جنگ آزمای / هم آوردت آمد مرو باز جای
کشانی بخندید و خیره بماند / عنان را گران کرد و اورا بخواند
بدو گفت خندان که نام تو چیست / تن بی‌سرت را که خواهد گریست
تهمتن بدو گفت کای شوم تن / چه پرسی تو نامم در این انجمن
مرا مام من نام مرگ تو کرد / زمانه مرا پُتك ترك تو کرد
کشانی بدو گفت بی بارگی / بکشتن دهی تن به یك بارگی
تهمتن چنین داد پاسخ بدوی / که ای بیهده مرد پرخاشجوی
پیاده ندیدی که جنگ آورد / سر سرکشان زیر سنگ آورد!
بشهر تو شیر و پلنگ و نهنگ / سوار اندر آیند هر سه بجنگ
هم اکنون ترا ای نبرده سوار / **پیاده** بیاموزمت کار زار
پیاده مرا زآن فرستاد طوس / که تا اسب بستانم از اشکبوس
کشانی پیاده شود همچو من / بدو روی خندان شوند انجمن
پیاده به از چون تو سیصد سوار / بر این دشت و اینروز و این کارزار
کشانی بدو گفت کویت سلیح / نه بینم همی جز فسون و مزیح
بدو گفت رستم که تیر و کمان / ببین تا کنونت سر آرد زمان
چو نازش باسب گرانمایه دید / کمانرا بزه کرد و اندر کشید

یکی تیر زد بر بَرِ اسب اوی | که اسب اندر آمد ز بالا بروی
بخندید رستم بآواز گفت | که بنشین بنزد گرانمایه جفت
سزد گر بگیری سرش در کنار | زمانی بر آسائی از کار زار
که نازیدنت بود با او بسی | ندارد چو تو نیز او هم کسی
کمانرا بزه کرد پس اشکبوس | تنی لرز لرزان و رخ سندروس
برستم پس آنگه ببارید تیر | تهمتن بدو گفت برخیره خیر
همی رنجه داری تن خویش را | دو بازو و جان بد اندیش را
ترا تیر بر من نیاید بکار | نئی مردِ گرد افکن نامدار
نداری ز جنگ آوران بهرهٔ | نکردی به تیر و کمان مهرهٔ
ترا بخت برگشته بینم همی | بدین رزمگه کشته بینم همی
نئی مرد پیکار و دشت نبرد | هم اکنون شود چهر بخت تو زرد
کمان را بمالید رستم بچنگ | بغرّید مانند غرّان پلنگ
پس آنگه به بند کمر برد چنگ | گزین کرد یك چوبه تیر خدنگ
خدنگی بر آورد پیکان چو آب | نهاده بر او چار پرّ عقاب
بمالید چاچی کمانرا بدست | بچرم گوزن اندر آورد شست
ستون کرد چپ را و خم کرد راست | خروش از خم چرخ چاچی بخواست
چو سوفارش آمد بپهنای گوش | ز چرم گوزنان بر آمد خروش
چو پیکان ببوسید انگشت او | گذر کرد از مهرهٔ پشت او
چو زد تیر بر سینهٔ اشکبوس | سپهر آنزمان دست او داد بوس
قضا گفت گیر و قدر گفت ده | فلك گفت احسن ملك گفت زه
کشانی هم اندر زمان جان بداد | تو گفتی که او خود ز مادر نزاد!

(فردوسی)

هدفهای «جاندار»

در تعلیمات با تیر حقیقی

یکی از مسائل مهمی که در طی تعلیمات حرب و مانورهای زمان صلح مورد توجه میباشد عبارت از این است که کیفیّات میدان مشق یا میدان مانور بهر اندازهٔ که مقدور باشد شبیه به کیفیّات میدان نبرد بشود و هدفهائی کـه برای تیر اندازی تهیّه می گردد مشابه هدفهای میدان نبرد باشد. مقصود اصلی اینست که عده هـارا در محیطی قرار بدهند که حتی الامکان نزدیك به محیط جنك واقعی باشد و اثـرات آتش میدان محاربه را بهتر درنظر آنها مجسم کنند تا بعضی اعمال ضروری صحنه نبرد برای آنها طبیعت ثانوی بشود.

در اطراف همین موضوع مقاله سودمندی در مجله پیاده نظام فرانسه منتشر شده که رئوس مطالب آن اقتباس و ذیلاً درج میگردد. نویسنده مقاله سرهنك دوم « ژ. پاپیه » معتقد است هدفهائی که مطابق نظامنامه ها ودستورات برای تیراندازی با اسلحه مسلسل پیش بینی شده عبارت از پرده های نشانـه است و در نتیجه این تیر اندازی نه تنها می توان نقاط اصابت گلوله هارا برروی شبح های افراد دشمن تشخیص داد بلـکه اثرات گلوله هارا هم دراطراف این شبح هامیتوان معین نمود گلوله های اخیر بدون اینکه بخود شبحها اصابت نموده باشند چون باطراف آن هـا خورده اند علی الظاهر بایستی این هدفهارا خنثی نموده باشند.

ولی متاسفانه عیب بزرگ این پرده های نشانه این است کـه اولاً خیـلی نمـایان هستند و ثانیاً بهیچوجه از آتش دشمن متأثر نمی شوند و از خود بروزاتی ندارند و بهمین جهة کمترین شباهتی را بهدفهای میدان نبرد نمی توانند داشته باشند. دربرابر این هدفها مجریان بالطبع ازهرگونه تهدید غافل گیری دشمن ، لزوم دیدبانی دقیق، اشکال تجسس و تعیین نقاطی که باید با گـلوله زد ، غـافل مانده کوچك ترین

فکری برای مانور برضد دشمن زنده و جاندار درمغز آنها پیدا نخواهد شد.

اینك بنا بر تجربه و بعنوان مثل رویه مخصوصی را در اینجا بیان میکنیم که بهدفهای میدان تعلیمات تقریباًشکل زنده وجانداری میدهد و این هدفها در مقابل تیرهای حقیقی میتوانند بروزاتی ازخود نشان بدهند.

اصول

برای عده‌ای که حمله میکنند، اجرای آتش باین منظور است که ادوات دشمن و بخصوص اسلحه مسلسل او را خنثی نموده باعث سهولت حرکت بجلو بشود. اما باید متوجه بود که درجنگ واقعی مسلسل دفاع هرگز بشکل پرده نشانه ای ظاهر نمی شود که ۱ یا ۲ متر ارتفاع داشته باشد، حتی بصورت شبحهائی که دائماً در سطح زمین نمودار هستند جلوه نخواهد کرد. بلکه طوری در طبیعت جایگیرو مستور و بیحرکت وساکت می ماند که جز در لحظه باز کردن آتش و مدت دوام رگبارهای او، وجود چنین دشمن خطرناکی بر مهاجم مکتوم خواهد بود. پس باید قبلا محل این مسلسل را پیدا کرد، مسافتش راتخمین زد، با درجه مناسب بروی او یا بحفاظی که در پناه آن قرار گرفته نشانه رفت، خلاصه درست او را زیرآتش گرفت تا اینکه بطور مؤثر خنثی بشود یعنی موقتاً از کار بیافتد. زیرا تامدتی که مسلسل مزبور در زیر رگبارهای صحیح، پرپشت وپیاپی قرار گرفته باشد خدمه آن پرا کنده میشوند وآتش اوخاموش یا بی اثرمیگردد. اما اگر تیرخنثی‌کننده‌مهاجم دچار وقفه شد و یا تغییر محل داد همان خدمه سابق مسلسل یا جانشینان‌آنها (در صورت کشته و یا زخمی شدن) بزودی تجدید نشانه‌گیری نموده بآتش خودمنتهای تأثیر را میدهند.

از این روبخوبی معلوم می شود چنانچه عده مهاجم برای پیشروی خوداز این تأثیرات خنثی کننده بلادرنگ استفاده نکند، آتشی که از اوپشتیبانی می کنند ولو خیلی مؤثر باشد دیگر بحال وی‌مفید نخواهد بود.

برای‌همین کیفیات حقیقی است که بایدمحیط‌تعلیمات زمان‌صلح‌راحتی‌الامکان نزدیك بمحیط میدان جنگ نمود. البته در مشقهائیکه با تیر مانوری اجرامیشوند

باین مقصود نمی توان رسید ، زیرا با تمام سروصدائی که اسلحه مهاجم و اسلحه مدافع می کنند بهیچوجه اثر آتشهای آنها محسوس نخواهد بود. حتی درمشقهای با تیر حقیقی هم ، اگر باین اکتفا بشود که پس ازخاتمه تیرفقط جای گلوله ها را در روی پرده های نشانه یا روی شبحها بشمارند و از روی شمارهٔ آنها تاثیرات کلی آتش را بسنجند ، نتیجه بیشتری نمیتوان بدست آورد. فکری که باین ترتیب ازتأثیر واقعی آتش نسبت بیك دشمن جان دار پیدا بشود بکلی خطا و برخلاف حقیقت است زیرا دشمن جاندار مثل پرده های نشانه در زیر رگبارهای مسلسل آرام و بیحرکت نخواهد ماند و بهیچوجه معلوم نخواهد بود آیا آن مواقعی که تیر ظاهراً مؤثر واقع شده درست همان مواقعی است که دشمن درمعرض آنها قرارداشته یاخیر؟

منظور اصلی رویهٔ که ذیلا شرح میدهیم جان دادن به هدفهاست بقسمی که حتی الامکان بتوانند مانند دشمن واقعی در هر لحظه مانور عکس العملی از خود نشان بدهند.

تشکیل تعلیمات وتنظیم هدفها

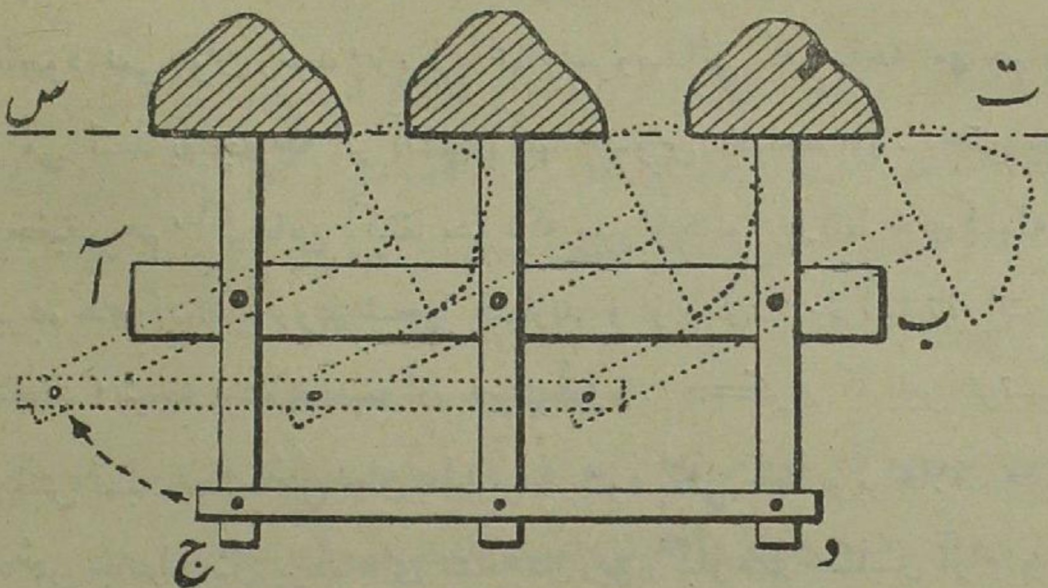
هر هدفی اساساً شامل عناصر ذیل خواهد بود:

۱ ـ سه شبح هابط که نماینده سه نفر خدمه مسلسل هستند و بوسیله گروهبان « سر هدف » که اجباراً در جان پناهی زیر شبحها قرار گرفته بحرکت می آیند.

۲ ـ یك مسلسل سبك که با تیر انداز خود در همان جان پناه قرار گرفته و بفرمان گروهبان سر هدف در فلان سمت تیر اندازی میکنند.

جان پناه عبارت از یك سنگر گود خواهد بود واگر طول آن باندازهٔ کافی زیاد باشد ممکن است دو دسته شبح در آن قرار داد که بفاصله ده متر از یکدیگر واقع باشند ومثلا دو قبضه یك دسته مسلسل رامجسم نمود که توسط همان گروهبان سر هدف متناوباً بکار می افتند.

هر دسته از این شبحها را ممکن است مطابق شکل ذیل قرار داد:



چون قراردادن همیشگی این شبحها درخارج معایب زیادی دارد باینواسطه آنها را فقط در موقع لزوم بیرون میآورند و بعد در انبار ملزومات تیر اندازی حفظ ونگاهداری مینمایند.

تخته پشت بند آ . ب . به تیری که عرضاً بدیواره های جان پناه نصب شده محکم بسته میشود ولی ارتفاع آن باید طوری باشد که در حالت بر پا هر سه شبح باندازهٔ از بالای خاك ریز کناره جان پناه س . ت . نمایان شوند که شبیه بسه نفر خدمه مسلسل در حال تیر اندازی باشند . دستك دیگری در پائین است (ج . د .) که انتهای دسته های شبح از جلو بروی آن نصب شده اما اتصال دسته های شبح بـه تختهٔ پشت بند و بدستك طوری است کـه بر روی محور خود بآزادی می توانند بچرخند . باین ترتیب بایك حرکت ساده دستك ج . د . فوراً میتوان شبحها را برپا نموده و بحالت حاضر به تیر نشانداد یا اینکه پائین کشیده و از نظر ناپدید ساخت (بحالت خطوط نقطه چین در روی شکل)

در چند قدمی عقب این شبح های متحرك ممکن است چند شبح ثابت گـذاشت که همیشه نامرئی بوده و نمـاینده فشنـگ بیار ها هستند که در پنـاه قرار گرفته اند .

تعداد این هدفها در هر مشقی زیـاد نخواهد بود . بطور کلی برای تـیر اندازی گروه پیاده یك هدف ساده و برای تیر اندازی دسته یك هدف مضاعف (یا دو

هدف ساده) کافی خواهد بود ولی بهر اندازهٔ که ممکن بشود باید موضعهای این هدفها رازیاد کرد تادر ابتدای هر مشقی مجریان نتوانند موضع اصلی آنها راتشخیص بدهند. بدیهی است هر هدفی باید رو به عده مانور طوری استتار بشود که شبیه بموضع حقیقی یك مسلسل دشمن باشد : حفاظ طبیعی یا استتار مصنوعی ، یکجور بودن با منظره عمومی زمین اطراف ، تهیه موضعهای فریبنده نزدیك کـه اشغال نشده باشند ـ بعبارهٔ اخری شبیه بدور نمای واقعی میدان نبرد باشد که خلأ ظاهری آن تمام دام های احتمالی را کـه در سر راه مهاجهم گسترده شده از نظر مخفی می سازد .

بالاخره باید وسیله ارتباطی (تلفون یاچیز دیگر) بین هدف ومدیر تعلیمات باشد تاتوسط آن بتواند دو حکم ذیلرا بگروهبان سر هدف بدهد :

۱ ـ شروع کنید

۲ ـ آتش بس

بطوریکه دیده میشود تنظیم هدف بهیچوجه پیچیده ، مشکل و پر خرج نیست و چیزیکه اهمیت دارد اینست که دونفر خدمه مسلسل باید کاملا ازتأثیرات تیر حقیقی محفوظ باشند (اعم ازتیر های مستقیم یا کمانهٔ) وگروهبان سرهدف بتواند زیر شبحها قرار گرفته آنها را بحرکت بیاورد .

اجرای تعلیمات

قبل ازشروع بکارمدیر تعلیمات بدون اطلاع مجریان هدف (یاهدفهای) خود را بترتیب ذیل تنظیم میکنند :

ـ شبحها طوری قرارداده میشوند که تماماً نامرئی باشند ومسلسل سبك کاملا محفوظ باشد .

ـ نفرات مأمور هدف اعم از گروهبان سرهدف و تیر انداز مسلسل در محل خود جابجا شده باشند .

ـ بگروهبان سرهدف دستور کامل داده شده باشدکه بتواند درست مطابق آنچه که باو امر شده عمل نماید .

درآغاز عملیات ، عده مانور طبق حکمی که باوداده شده درگیر محاربه میشود

و در اینموقع راجع به دشمن فقط اطلاعاتی باو داده شده که بنظر مفید بوده است.

درجریان عملیات هر موقع که مدیر تعلیمات تیراندازی دشمن را لازم دید بگروهبان سرهدف امر باجرای آتش میدهد.

پس از دادن این امر دیگر کاری بکار هدف نخواهد داشت و بایستی با کمال مراقبت متوجه تاثیرات آتش دشمن بشود و تلفات حاصله از آنرا بمجریان بنمایاند زیرا درآتشی که با فشنگهای مانوری اجرا میشود برای مجسم ساختن اثرات آن جز مداخله مدیر تعلیمات راه عملی دیگری نخواهد بود.

گروهبان سرهدف بمحض گرفتن حکم شروع به آتش میکند یعنی شبحها را در روی خاك ریز سنگر ظاهر نموده فرمان آتش میدهد. باین فرمان تیر انداز مسلسل سبك که کاملاً در پناه قرار گرفته چند رگبار اجرا میکنند.

همینکه تیرهای حقیقی عده مانور شروع باجرا شد گروهبان سرهدف که درست زیر شبحها قرار گرفته میتواند اثر آتش دشمن را تشخیص بدهد:

اگر صفیر گلوله های دشمن از چپ و راست یا خیلی بالا بگوش او برسد، مسلسل خنثی نشده بآتش خود مداومت می دهد. چنانچه صفیر گلوله هارا درست بالای سر شبح ها بشنود فوراً شبح هارا پائین کشیده فرمان «آتش بس» میدهد. باین فرمان تیر انداز مسلسل سبك آتش را قطع میکنند.

وقتی که تیر حقیقی دشمن قطع شد گروهبان سرهدف چند دقیقه میشمارد (۳ الی ۱۰ دقیقه) و این دقیقه شماری بنا بر اثرات روحی آتش دشمن از حیث شدت، طول مدت و تکرار آن میباشد. اگر تیر حقیقی دشمن مجدداً شروع شد باید ساکت ومخفی ماند والا شبح هارا نمایان ساخته فرمان آتش میدهد تا اینکه بواسطه تیر حقیقی مؤثر دشمن دوباره خنثی بشود.

گروهبان سرهدف، همین رویه را اینقدر تکرار میکنند تا ازطرف مدیر تعلیمات امر آتش بس باو داده شود.

باین ترتیب عده مانور درهرلحظه جلو خویش دشمن جانداری خواهد داشت

و عملیات متقابله و بروزاتی که او از خود نشان میدهد نماینده تاثیرات آتش عده مانور است .

بعد بطور محسوس میفهمد که باید بدواً دشمن را تجسس و کشف نموده، سپس او را زیر آتش صحیح گرفت و بلافاصله از تاثیرات خنثی کننده این آتش برای خیز برداشتن بجلو استفاده کرد . نتیجه اصلی تعلیمات غیر از این چیزی دیگری نیست .

برای نشان دادن نتایج حاصله در پایان تعلیمات نیز باید تاثیرات مادی آتش را بخوبی مشخص نمود (از چند شبحی که بطور هدف قرار داده اند فلان تعداد آن زده شده است) یا آتش ما از حیث تراکم چه اثری داشته (فلان قدر گلوله به فلان تعداد شبح اصابت نموده) .

ملاحظات مخصوص

۱ - در مورد « هدف مضاعف » گروهبان سر هدف دودسته شبح های خود را طوری اداره میکند مثل اینکه واقعا دو قبضه مسلسل را باید اداره نماید . این مشق هم برای او و هم برای عده مانور بیشتر مفید و جالب توجه خواهد بود .

اگر چندین هدف مجزی باشد بر عهدهٔ مدیر تعلیمات است که هر هدفی را در موقع مطلوب بکار بیاندازد .

۲ - اگر هدف در پشت حفاظی مخفی باشد ، شبح ها حتی در حال حاضر به تیر باید نامرئی بمانند . در اینصورت تنها از روی صدای تیر مانوری نمیتوان محل مسلسل را که در پناه واقع است پیدا کرد، زیرا برق آتش و دود های آن مثل تیر حقیقی نخواهد بود . برای اینکه آثاری از تیر اندازی مسلسل بدست بیاید مثلا میتوان جان پناه را طوری ترتیب داد که مسلسل بتواند عموداً ، در جلوی شبح مرکزی ، تیراندازی نموده سر لوله آن تقریباً محاذی با کف زمین ولی از تاثیر تیرهای حقیقی کاملا محفوظ باشد .

۳ ـ استعمال هدفهای « جاندار » نه فقط برای دسته های رده آتش مفیداست بلکه برای واحد های مسلسل سنگین نیز مورد استفاده میباشد. ولی چیزیکه هست در اثر صدای شدید تیر های حقیقی مسلسل سنگین اغلب عده تعلیم گیرنده نمیتواند صدای تیر مانوری مسلسل های هدف را بشنود و بالنتیجه ملتفت عملیات متقابله دشمن بشود.

باینواسطه در تیرهای حقیقی برضد این هدفها بنابر تجربه بهتر است واحد های پیاده و واحد های مسلسل سنگین را بطور جداگانه تعلیم بدهند.

٤ ـ در تنظیم هدفها بترتیب فوق باید امنیت نفرات مامور هدف کاملا فراهم شده باشد و لازم است برای اطمینان از امنیت آنها استقرار این هدفها تحت نظر یك افسر مهندس انجام بشود.

٥ ـ اینطریقه یك فایده دیگر هم داردکه ازذکر آن نباید خود داری نمود و آن عادت کردن نفرات مامورهدف به تشخیص صفیر گلوله هاست که عملا و بطور غیر محسوس حاصل می شود، زیرا بطوریکه دیدیم عملیات آنها از روی تشخیص صفیر گلوله ها باید انجام بشود.

نتیجه

البته طریقهٔ که در فوق شرح دادیم، طریقه کامل و قطعی نیست بلکه یك‌طریقه تعلیماتی است که تاثیرات واقعی‌آتش‌خنثی کننده رابرروی هدفهای جاندار در نظر مجریان بخوبی مجسم میسازد.

افسران مربی هیچوقت نباید فراموش کنند که محسوس ساختن تاثیرات‌آتش دفاع منوط بمداخله و مراقبت دائمی آنها است و باید در هر لحظه پیش خود تشخیص بدهند که اگر آتش دفاع آتش حقیقی بود چه تاثیراتی میداشت و از روی این تشخیص تلفات وارده برعده مانور را معلوم دارند، البته با توجه باینکه عده مانور در مقابل آتش دشمن برای پیشروی یا اخذ موضع چگونه از زمین استفاده می نماید.

اگر این شرط اصلی مراعات و مجری شود از روی تجربه اطمینان میدهیم که این طریقه هم از نقطه نظر اداره کردن و هدایت آتش و هم از لحاظ ترکیب آتش و حرکت نتیجهٔ موثر و مفیدی دارد.

بطوریکه در عمل دیده شده است اینطریقه تعلیمات رغبت و شوق افسران مربی وعده مانور و فرمانده‌ـان آنها و حتی نفراتی را که نمـاینده دشمن هستند بیشتر برمی انگیزد. هرطریقهٔ که بیشتر شوق انگیز و رغبت آور باشد قطعاً فایده بیشتری خواهد داشت.

سرهنك مقتدر

عملیات پیاده نظام در ابادیها

اگر نظری بتاریخ جنگها بنمائیم خواهیم دید که آبادی ها اعم از شهرهای بزرگ یا دهات کوچك در جنك مداخله مهمی داشته اند و از گزارش محاربانی که در این آبادی ها انجام شده است اطلاعات ذی قیمتی بدست می آید که برای جنگهای آتیه مورد استفاده است. باین واسطه میتوان گفت که شهرها و دهات هم برای خود تاریخ نظامی خاصی دارند و بطوری که درمراحل مختلف جنك بزرك ۱۹۱۴-۱۹۱۸ به ثبوت پیوست آبادی ها و لو اینکه در اثر بمباردمان توپخانه خراب و زیرو روشده بودند باز از آثار فرو ریخته آنها موانع و حفاظهائی پیدا شد که مخصوصاً از نقطهٔ نظر دفاع مورد استفاده بود و برای مهاجم تولید اشکالات بزرگی می نمود.

چون شیوه های جنگی که برای حمله به آبادی ها یا دفاع از آنها بکار میبرند به تناسب اهمیت خود آبادی و موقعیت آن در آرایش عمومی دفاع فرق پیدا می کند باین‌واسطه دراین‌جا کوشش میکنیم بعضی مختصات محاربه پیاده نظام را درآبادی ها اعم از محاربه تدافعی یا محاربه تعرضی شرح بدهیم.

ولی منظور ما فقط آبادی هائی است که دارای ابعاد متوسطی هستند و از حدود دهات تجاوز نخواهیم کرد.

ضمناً برای دفاع، آبادی هائیرا درنظرمیگیریم که نگاهداری آنهابرای فرماندهی اهمیت حیاتی دارد و بایستی بدون فکر تخلیه بمدافعه آنها پرداخت.

برای حمله نیز منظورما آبادی هائی است که بدقت آراسته شده و به سختی دفاع میشوند.

بخش یکم — دفاع آبادیها

در وضعیت تدافعی وقتی بیك آبادی مصادف میشویم نخستین موضوعی کـه باید توجه مارا جلب کند تشخیص این است که آیااین آبادی درداخل خط مقاومت اصلی ما باید واقع بشود یا درخارج آن؟

تشخیص این موضوع بسته باهمیت و ارزشی است که این آبادی در دفـاع کلی موضع مقاومت ما میتواند داشته باشد از حیث :

- وضعیت مکانی آن
- طرز ساختمان آن
- ابعاد آن

البته درضمن عملیات‌صحرائی یادرجریان مانورها به بعضی دهات برمیخوریم که کنارهٔ آنها بواسطه داشتن‌چشم اندازهای خوب یا میدان تیر مناسب برای دفاع مورد استفاده کامل میباشند.

در بسیاری از آبادی ها موقعیت و حدود ظاهری آنها از لحاظ تاکتیك یـا استراتژی بالطبع جالب توجه است. مثلاً دهاتی کـه در محل التقای دو درّه یا در مدخل یك تنگه ساخته شده اند. برخی دهات دیگری دیده میشوند که موقعیت و ساختمان حصار قلعه آنها با منظور دفـاع مناسب نمیباشد. پس معلوم میشود کـه وضعیت مکانی آبادی درتصمیم ماراجع به تعیین حدود خط مقاومت اصلی دفاع دخالت عمده دارد.

امّا تنها این شرط کافی نیست زیرا اگر هم وضعیت مکانی فلان ده مناسب ولی ابعاد آن خیلی کوچك و با مصالح بدی ساخته شده باشد باعث جلب گلوله های توپ دشمن میشود و بزودی‌خراب می‌گردد بدون اینکه حفاظ خوبی برای ماتشکیل داده باشد. پس از اشغال چنین دهی باید صرف نظر نمود.

البته باید در نظر داشت که خراب کردن سرتاسر یك ده برای توپخانه‌کارسهل و ساده نیست و در زمان جنك بزرك کراراً اتفاق افتادکه پس از بمباردمانهای مهیب

و دهشت آور توپخانه بازهم درمیان خرابه های دهات جان پناههای خوبی برای پیاده نظام پیدا میشد. مخصوصاً اگرساختمانهای ده با سنك باشد یا بعضی سقفهای آجری داشته باشد نه تنها پیاده نظام را ازگلوله و مرمیات توپخانه سبك حفظ میکند بلکه تا اندازهٔ از اثر مرمیات توپخانه سنگین صحرائی هم محفوظ میدارد.

در این قبیل دهات محکم فقط حریق یاگازهای سمی می‌تواند مدافعین آنهارا مجبور بخارج شدن بنماید. جنگل برای پیاده نظام تشکیل حفاظ میدهد، درصورتی که آبادی ها برای او هم حفاظ و هم جان پناه تشکیل میدهند.

بعلاوه اززمان پیدایش ماشین های زره پوش درمیدان نبرد، درمقابل تهاجمات این ماشین های روئین تن پیاده نظام میتواند به آبادی ها پناهنده بشود و اگر راههای ورودی به آبادی درست سد بندی شده باشد جلوزره پوشهامانع عمدهٔ تشکیل خواهد داد.

ازهمین نقطه نظر اهمیت اشغال آبادی ها، لااقل دربد و استقرار دفاع، بخوبی محرز میشود.

بررسی اخیربطورخلاصه بما مینمایاند که اشغال آبادی‌ها بامندرجات نظامنامه محاربه پیاده کاملاً وفق می دهد:

« آبادی ها و لو اینکه بدرجه کافی دارای چشم انداز های بسیط و جان پناههای محکم نبوده و از لحاظ آتشهای پهلوئی مساعد نیستند معذلك برای طرفیکه آنجارا اشغال نموده همیشه یك حفاظ و وسیله استتار مناسبی محسوب و برای دشمن مانعی تشکیل میدهندکه ممکن است پیوستگی حمله اورا درهم شکنند. پس در مزیت اشغال این محل‌ها تردیدی نیست اما میزان قوائی که برای اینمنظوربکار میرود باید محدود بحد لزوم قطعی باشد »

تصور کنیم تصمیم ماگرفته شده وآبادی در داخل خط دفاع اصلی واقع است حال بایستی ازکجا این خط را گذراند، جلوی کناره آبادی یا در روی کناره آبادی؟ ممکن نیست در این خصوص دستور قاطعی داد چه مثل سایر مسائل تاکتیکی منوط بوضعیت زمین و پیش آمد خواهد بود.

یگانه کاری که ما میتوانیم بکنیم ذکر محسنات و معایب هر یك از این دو طریقه است که درخاتمه نتیجه گرفته بفهمیم کدام یك در تصمیم ما مؤثر خواهد بود .

دفاع درجلوی کناره یك آبادی

یکی از مزایای این طریقه این است که تنظیم تیر توپخانه مشکل شده در نتیجه اثرات آن در روی خط دفاع اصلی محدود خواهد بود و در اکثر مواقع میدان تیرماخیلی خوب ومناسب خواهدگردید ولی درمقابل دارای معایب ذیل است :

۱ ـ خط دفاع اصلی در صورتیکه درعقب مانعی (مثلاً رودخانه) قرار نگرفته باشد در معرض حملات ماشین های زره پوش دشمن واقع خواهدشد .

۲ ـ نمیتوان استفـاده از پوشش آبادی کرد مگر در قسمت مختصری برای نگاهداری قسمت احتیاط و ارزاق .

دفاع در روی کناره آبادی

منظوراز کناره آبادی اولین ساختمانهای یك دهکده است مثلاً دیوارها ـ خانه ها . در این جا تنظیم تیر توپخانه دشمن خیلی سهل خواهد شد و در اکثر مواقع میدان تیر پیاده محدود می گردد ولی در مقابل محسناتی درمحاربات امروزه داردکـه مدافعین را درحفاظ ارابه های جنگی سبك ومتوسط قرارداده وباضافه عمل ادوات ضد ارابه را خیلی سهل می نماید که با کمال خوبی می توان این ادوات را از دید وتیر دشمن محفوظ داشت .

در عملیات تعرضی بطرف آبادی ها سه نکته ذیل مورد دقت وتوجه میباشد :

ـ امکان حمله دشمن باماشین های زره پوش .

ـ میدان دیدی که دیدگاههای زمینی دشمن در روی کناره آبادیها و اطراف ن دارا خواهند بود .

ـ اهمیت میدان تیری که کناره های آبادی دارا خواهند بود چه در تیرهای جبههٔ و چه در تیرهای جناحی .

امتحان و سنجش سه نکته فوق ما را درصورت داشتن مأموریت دفاعی مجبور مینماید که بدواً از کناره آبادیها برای دفاع اصلی استفاده نموده سپس اگرمحـاربه

بطول انجامید تا مسافتی بجلوی کناره برویم، پس از آنکه تهیه کامل برای مقاومت در جلوی عوامل زره پوش دشمن اجرا شده باشد (حاضر کردن و موضع گرفتن ادوات ضد زره پوش) نکات مندرجه نشان می دهد که تا وقتی توپخانه دشمن به منتهی قدرت خود نرسیده کناره آبادیها دارای همان اهمیت وقدر و قیمت سابق خود خواهند بود.

تشکیلات خط دفاع اصلی

تصور کنیم تصمیم گرفته شده که خط دفاع اصلی‌را در روی کناره آبادی قرار دهیم چطور بایستی این خط را تشکیل داد؟

این نکته را با در نظرداشتن طرح نمره ۱ مورد بررسی قرار میدهیم

این تشکیلات دفاعی دارای نتایج ذیل خواهد بود:

دفاع کناره - دفاع داخلی - دفاع مخرجها

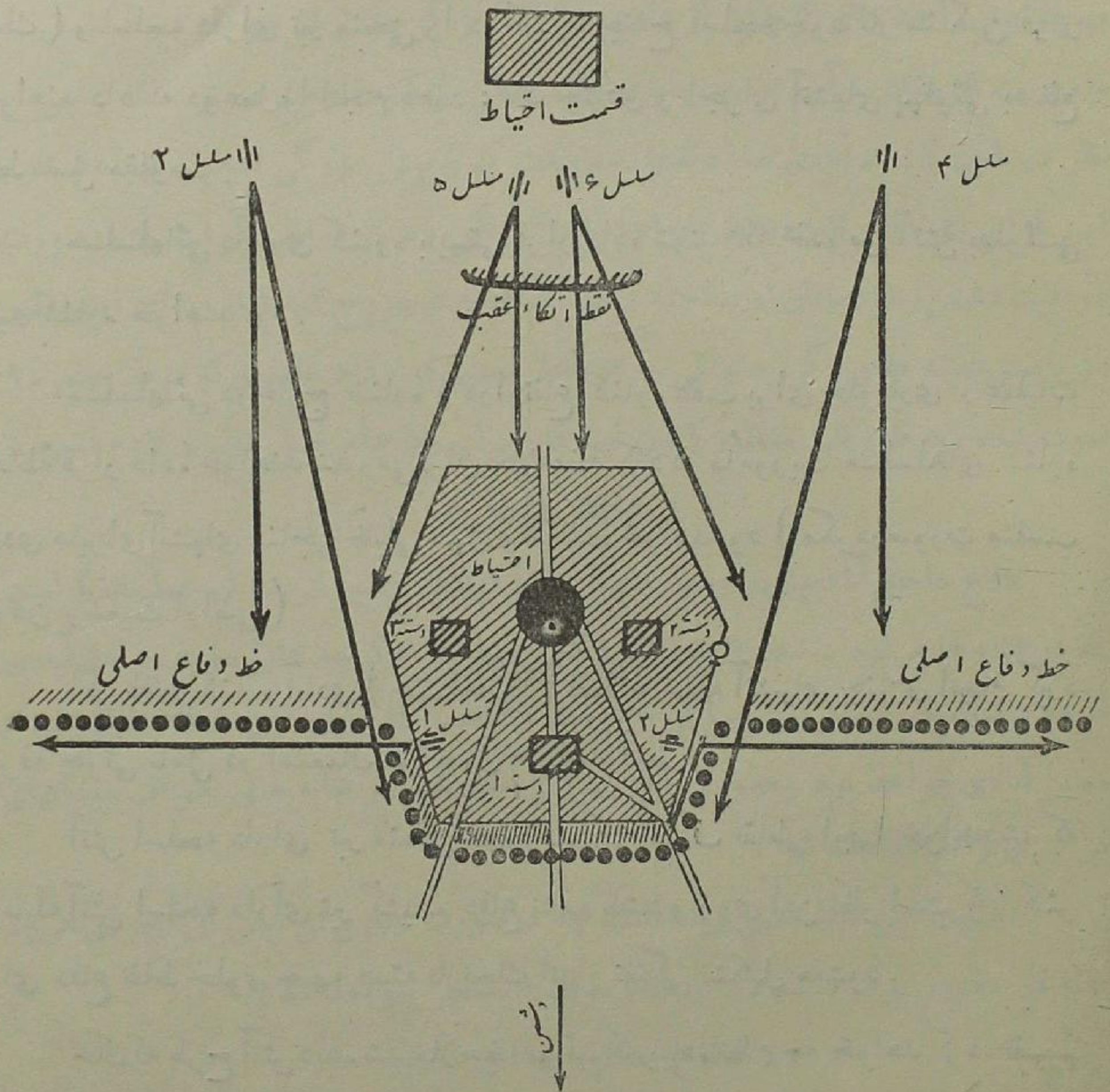
دفاع کناره - این دفاع فقط منحصر به کناره جبهه نبوده بایستی کناره جناحین را نیز درنظرداشت تا بتوان درمقابل حرکات دورانی دشمن مقاومت نمود.

نکته اصلي در دفاع کناره اجرای تشکیلاتی است برای جلوگیری از دخول زره پوشها و ارابه های جنگی کوچك و متوسط دشمن در آبادی.

پس در اولین مرحله بایستی کلیه معابر قصبه را مسدود نمائیم - آلمانها که در بدو جنگ بین المللی از ارابه های جنگی دشمن در زحمت بودند اولین اقدام و فکرشان در هر وهله متوجه مسدود کردن معابر قصبات بود واین سد ها را با بتن و سنگ تهیه مینمودند و در طرف خارج میله های آهني با انحنای ٤٥ درجه نصب میکردند. اکثر این موانع بارتفاع سه متر و بعرض دو متر بود.

اما دفاع کناره در مقابل ماشین های زره پوش مکفی نیست بایستی این خط دفاعی از پیشروی ودخول پیاده نظام دشمن نیز جلوگیری کند پس‌لازم‌است سد آتش تهیه شود نه فقط با اسلحه خودکار بلکه با اسلحه دارای تیر منحنی تا بتوان با کمال دقت دفاع نزدیك آبادیها را تأمین نمود.

در موقع تشکیل این سد آتشین بایستی تفاوت و تشخیص کامل بین سد های


قسمت احتیاط
مسلسل ۲
مسلسل ۵
مسلسل ۶
مسلسل ۴
نقطه اتکاء عقب
احتیاط
دسته ۳
دسته ۲
خط دفاع اصلی
خط دفاع اصلی
مسلسل ۱
مسلسل ۲
دسته ۱

طرح نمره ۱

جبههٔ و جناحی قائل شد .

در کنارهٔ جبهه سد ها متکی به اسلحه خود کار سبك خواهند بود (مسلسل سبك) و اسلحه دارای تیر منحنی را در کناره جناح اسلحه خود کار سنگین قرار خواهند داد که دو عمل را انجام دهند : سد جناحی و اجرای آتشهای پهلوئی به نفع خط اصلی مقاومت .

مسلسلهائی در روی کناره بایستی قرار داده شوند که مخصوص آتش پهلوئـی کلیه کناره خواهند بود .

مسلسلهائی در خارج کناره و در ارتفاع کناره عقب برای جلوگیری از عملیات احاطهٔ قرار داده خواهند شد. می‌توان ملاحظه کرد که مأموریت مسلسلهای کناره آبادی ها برای آتشهای جناحی خیلی سهل و مناسب خواهد بود (مگر در صورت مناسب نبودن وضعیت اراضی)

اگر دفاع کناره آبادی (جناحین) فقط بوسیله آتشهای جناحی انجام گیرد صرفه جوئی کاملی در استعمال قوا بعمل خواهد آمد .

آتش اسلحه دارای تیر منحنی بطور تمرکز بطرف نقاطی اجرا خواهد شد که بوسیله آتش اسلحه دارای تیر کشیده دفاع نشده باشد و روی این نظر است که اکثر برای دفاع نقاط جلوی جبهه دسته نارنجك انداز تفنگی تشکیل میشود .

حال که طرح آتش دیده شد ملاحظه نمائیم که پیاده نظام چه خواهد کرد . تقسیم پیاده نظام بنا بر مصالح و نکات ذیل خواهد بود :

- صرفه جوئی در استعمال قوا .
- تمرکز افراد در نقاطی کـه خوب تعیین شده و مرکز مقاومت محسوب می شود .

قبلاً ملاحظه شد کـه یکی از معایب اشغال کـناره آبادی موضوع تنظیم تیر و اثرات آتش توپخانه دشمن بود . چه اگر آبادی سالم باشد ممکن است هر تیر توپخانه خرابی هائی تهیه کرده و تلفات زیاد بافراد وارد سازد .

چنانچه افراد در کناره ها پراکنده باشند فرماندهی آنها خیلی مشکل خواهد بود بهمین مناسبت است که بایستی قوا را در اطراف نقاط مهم مجتمع کرد و بهیچوجه واحد های کوچکتر از دسته در پیاده و کوچکتر از جوخه در مسلسل به ماموریت نفرستاد ـ آنهم تحت ریاست و فرماندهی مرکز مقاومت معینی . بنا براین نظر در طول کناره آبادی تعداد نقاط مقاومت کم و بیش بزرگی تشکیل خواهد شد. این قوا برای دفاع ثابت نقاط خواهد بود . قوائی بایستی درنظر گرفت که درصورت موفقیت دشمن ونفوذ یافتن او بداخله ده بتواند اقدام درخروج اونماید . برای اینمنظور نیز بایستی دسته ها ویا گروهانهائی را درنقاط معینی قرارداد بطوری که درطرح نمره ۱۰ نموده شده وبه طورکلی منظورکردن این قوا برای رد حمله خیلی نافع و لازم است .

دفاع داخل

دفاع داخلی آبادیهای متوسط منوط به تشکیلات خط پشت بند (وخط مانع) است که درخانه ها قرارداده شده تا بتوانند با آتش خود مخرج کوچه هارا بطرف داخل آبادی مسدود نمایند. تعداد این مراکز مقاومت ونقاط اتکاء روی این خط مطابق تعداد معابر آبادی خواهد بود ومعمولاً این مراکز مقاومت در خانه های اطراف میدانهای مرکزی واقع خواهند شد .

اهمیت این خط خیلی زیاد است چه درصورت عدم پیش بینی آن اجرای هررد حمله غیر مقدور بوده با شکالات و عدم موفقیت منجر خواهد شد .

دفاع مخرجها و معابر

بالاخره با تصور آنکه دشمن موفق بتصرف آبادی شود بایستی تشکیلاتی برای منظورهای ذیل درنظر گرفت :

– برای جلوگیری از خروج دشمن از آبادی .

– تصرف آبادی مجدداً .

این منظور با تشکیل یك مرکز مقاومت که در پشت آن قسمت احتیاط باشد مقدور خواهد شد وعده ثابت این مرکز مقاومت دارای ماموریتهای ذیل خواهند بود :

ـ شرکت در اجرای آتشهای جناحی برای نجات از عملیات محاصرهٔ واحاطهٔ
ـ ممانعت از تجاوز آبادی .
ـ کمك آتش به قسمت احتیاط برای رد حمله چه برای تصرف آبادی و چه برای اخراج قطعی دشمن.

چون مرکز مقاومت در این خط دارای اهمیت خاصی است لذا بایستی قدری بیشتر در این خصوص صحبت نمود چه در دفاع آبادی مداخله کامل دارا بوده وحتی اگر یك دسته و یا یك جوخه مسلسل به تشکیلات اینمرکز مقاومت افزوده شود خیلی خوب خواهد بود - حال ملاحظه مینمائیم اینمرکز مقاومت درچه مسافتی از آبادی واقع خواهد شد ؟ نه آنقدر نزدیك که ضمن تصرف خط مقاومت اصـلی سقوط نماید برای اینکه دشمن مجبور به تهیه عملیات جدیدی شود . نه آنقدر دور - برای اینکه بتواند مبداء برای حملات متقابله گردد - مثلاً ۲۰۰ الی ۶۰۰ مترحد اکثر بطور کلی در قلاع منفرد یاقسمتهای مجزای خود آبادی برای اینمنظور در نظر گرفته میشود .

تشکیلات فرماندهی

هر وقت ممکن شود دفاع یك آبادی حتی الامکان بیك واحد محول محوله چه مسئولیت را شخص معینی عهده دار بوده و بنا برحیثیات نظامی ووظائف محوله بخود بهتر عمل مینماید.

اگر وضعیت آبادی اجرای این عمل را اجازه ندهدبایستی کناره معین واراضی که تحت تأثیرآتش کناره است بیك واحد محول نمود .

تشکیلات فرماندهی در داخل آبادی - بنا برآنـکه آبادی عرضاً و یا طولا در مقابل جبههٔ دشمن واقع شده باشد تشکیلات خاصی دارا خواهدشد وفرماندهی دفاع کناره جناحی یاجبهه بایستی کاملاتعیین شود .

بین این مناطق نبایستی فواصل وجود داشته باشد ودفاع هرمعبری نیزبه یك فرمانده محول میشود .

بایستی دیدآیا دفاع خط پشتیبانی ومراکزمقاومت داخلی هم بفرماندهان کناره‌ها داده میشود یاخیر ؟

بنا بر مأموریتی که این مراکز مقاومت دارا میباشند و بایستی در موقع مقاومت ایستادگی کامل نمایند جهاتی دیده نمیشود که آنهارا جزو واحد های کناره های آبادی بنمایند و بهتر است که از احتیاط داخلی باین مراکز فرستاده شود.

محل فرماندهی قوای مدافع آبادی - در مرکز مقاومت خط دفاع اصلی ، اگر دارای احتیاطی برای رد حمله باشد والا در مرکز مقاومت عقب

عملیاتیکه بایستی بشود - کارهای فوری

همینکه تصمیم دفاع آبادی گرفته شد بایستی دید چه عملیاتی بایستی نمود و درجه اهمیت آنها چیست - عموماً این عملیات بمنظور قرار دادن عوامل آتش است با تطبیق دادن آنها به موانع.

- تهیه منازل زیر زمینی
- برقراری وتهیه خطوط ارتباط

تطبیق عوامل آتش باموانع

دقت مخصوص نسبت به نکات ذیل بایستي مبذول شود :

- مسدود کردن معابر و غیر قابل عبور کردن آنها بوسیلهٔ سدهای محکم و در ضمن تقویت آنها بوسیله آتشهای مسلسل و اسلحه ضد ارابه جنگی که کاملاً مخفی و مستور شده باشد.

- قرار دادن مسلسلهائی برای آتشهای جناحی - به نفع خط اصلي دفاع آبادی (که در موقع محکمی قرار داده شد و مسلسل بدون توجه به دفاع خود مشغول عمل میشود)

- بنفع خود آبادی - در موضعهای خیلی محکم و مستور در خارج آبادی.

برای سایر اسلحه وادوات بایستی از طبقات منازل استفاده کرد :

قسمت ها و طبقات پائین برای مسلسل های سبك.

قسمتها و طبقات فوقانی برای مسلسل های سنگین و نارنجك های تفنگی و دستی.

تهیه منازل زیر زمینی

بنا بر اثرات فوق العاده مرمیات توپخانه در دهکده بایستی مدافعین را از اثرات آتش توپخانه دشمن محفوظ نمود که فوری بتوانند در خاتمه آن بمواضع خود بروند - برای این منظور بایستی منازل زیر زمینی تهیه نموده و معابر مکفی برای هر یك در نظر گرفته تصمیمات لازمه برای عدم نفوذ گاز اتخاذ نمود این اقدامات برای دستجات مأمور حملات متقابله نیز لازم است .

بر قراری خطوط ارتباط

چون خطر محاصره آبادیها مثل جنگلها خیلی زیاد است لذا بایستی توجه مخصوص به خطوط ارتباط آن مبذول داشت. برای اینمنظور بایستی خطوط ارتباطی برای اتصال مواضع و پست فرماندهی با سوراخ کردن دیوارها وغیره تهیه کرد . این عملیات مدت زیادی میخواهد ولی بایستی درهرجا به کمك قسمت احتیاط و مهندس انجام شود .

بالاخره بنابمأموریتی که پیاده نظام عهده داراست بایستی دارای ادوات تحزیب کامل و اسلحه تیر منحنی و مهمات کافی ، مخصوصاً نارنجك دستی و تفنگی باشد .

طریقه دفاع

حال که تشکیلات دفاعی خاتمه یافت طرز عمل را مورد توجه قرارمی دهیم :

۱ - اقدامات لازم برای جلوگیری از ورود دشمن بکنارهٔ آبادی

۲ - در صورت دست یافتن دشمن خارج کردن او بوسیله قسمت احتیاط و حملات متقابله - چه حملات متقابله هر قدر سریع و فوری باشد در این قبیل موارد نتایج خوب میدهد وبهمین مناسبت است که بایستی این فکر درمغز کلیه فرماندهان کوچك رسوخ داده شود .

۳ - اگر دشمن موفق به تسخیر آبادی شد بوسیله احتیاط اولیه که در نقاط و مراکز مقاومت عقب قرار داده شده و احتیاطی که فرمانده تهیه خواهد نمود آبادیرا مجدداً اشغال مینمایند .

(در حالت اول چون عملیات از حدود فرماندهی گردان و هنگ تجاوز نمیکند بایستی خیلی فوری وسریع باشد ولی درقسمت اخیرچون مداخله فرمانده لشکر لازم خواهد بود وچند ساعتی بطول خواهد انجامید) .

کمك سایر صنوف

حال ملاحظه نمائیم سایر صنوف تا چه حدی ممکن است پیاده را در دفاع آبادی مساعدت نمایند .

توپخانه ـ ممکن است درمحاربه دفاعی آبادیها داخل شود اول درکناره خارجی بعد تا حدی در داخل .

درکناره خارجی ـ ترکیب آتش توپخانه با آتشهای مسلسل و اسلحه تیرمنحنی در مقابل نقاط مهم و قابل توجه .

در داخل ـ پس از آنکه فرماندهی کاملاً ازموقعیت پیاده نظام خودی مطلع شد میتواند آتش را در مقابل مراکز مقاومت دهکده اجرا نماید در صورتی که دشمن بدون کمك توپخانه باشد . یا اگر آبادی بکلی دردست دشمن افتاده برای تهیه حمله اجرای آتش خواهد شد .

ارابه جنگی ـ در دفاع آبادیها ارابه جنگی مورد استفاده نیست مگر در موارد اجرای حملات متقابله .

مهندس ـ در تهیه مواضع و سدهای مندرجه در فوق کمك کامل کرده وجودش مورد استفاده است .

خلاصه

حال که با دقت موضوع دفاع آبادیها را مطالعه نمودیم میتوانیم این قسم اظهار نظر نموده و نتیجه بگیریم که :

ـ تصاحب آبادیها برای عملیات دفاعی گذشته ازآنکه ازلحاظ مالی برای تشکیل خطوط دفاعی نافع و مساعد است پناهگاه خوب و قابل استفادهٔ برای پیاده نظام در مقابل خود روهای زره پوش خواهد بود .

ـ اگر منظور اخذ نتیجه کامل در دفاع آبادیها باشد بایستی قوای خود را درعمق رده بندی نمائیم .

بقیه دارد ـ سرهنگ رزم آراء

جنك باكتريولوژيك

يا ميكروبى

يكى از قضايائيكه امروزه دنيا را تهديد مينمايد و علماى زيادى در آن غور و مطالعه مى كنند جنك باكتريو لوژيك يا ميكروبى است . گرچه جنك ميكروبى از مسائل جديد محسوب ميشود ولى آغاز آنرا از ابتداى عصر ميكروب شناسى ميتوان دانست منتها درآن موقع ميكروب را براى دفع حيوانات و نباتات موذيه بكار ميبردند نه بر ضد انسان .

چون ميكروب يك حربه قوى ومؤثرى است لذا بهيچوجه نميتوان از استعمال آن در جنگ جلو گيرى نمود زيرا دشمن در موقع مبارزه رحم ، انسانيت ، وجدان ، هم نوعى و برادرى را فراموش كرده باسخت ترين وسيله براى پيشرفت خود ميكوشد . انسان كه اشرف مخلوقات ناميده ميشود براى جنك و مبارزه و از بين بردن همنوع خود حربه بخصوصى را انتخاب نكرده بلكه روز بروز درصدد كشف آلات و وسائل كشندهٔ جديد است كه از اين راه دشمن خود را هرچه زود تر و سهلتر مضمحل و نابود سازد .

يك عده ازعلماى بزرك عمر و زندگانى خود را از راه انسانيت به ميكروب شناسى وكشفيات جديد و جلوگيرى از بدبختى هاى بشرى صرف نمودند و جز خدمت بعالم بشر ، منظوردیگرى نداشتند ، ولي متأسفانه بعد ها ديگران از حاصل كارآنها سوء استفاده كردند .

بطوريكه جامعه ملل عقيده دارد جنك ميكروبى سخت ترين جنگهائى است كه وجدان انسانرا متزلزل ميكند و نبايد شيفته آن گرديد زيرا عملى شدن اين جنك مخالف اخلاق و غير ممكن است .

قريب ششقرن است كه « كنسيل دولاتران » (Concile de Latrane)

استعمال تیر و کمان را قدغن نموده و بعد از آن « بایار » (Bayard) تفنگ سر پر را غیر قانونی دانسته و عقیده داشت که استعمال آن دور از مردانگی است زیرا پهلوانی را نباید با حربه و بدون جنگ تن به تن کشت .

در ۱۹۱۵ جنگ بوسیله گاز دنیارا طوری متزلزل نمود که بر ضد آن قوانین فوری وضع گردید ولی امروزه درحقیقت گاز یکی ازوسائل دفاعیه پاسبانی (پلیس) محسوب میشود . دراینصورت ازجنگ میکروبی نیز نباید غفلت نمود زیرا استعمال آن قطعی بنظر میرسد .

در جنگ بین‌المللی بخوبی معلوم شد که استعمال سموم وگازهای معموله در جنگ ۱۹۰۷ که بوسیله کنفرانس لاهـه ممنوع گردید قابل اجرا نمی باشد .

معاهده ورسای اسمی از جنگ میکروبی نبرده ولی کنفرانس ژنو ۱۹۲٤ به ملل مختلفه که انتظارصلح را داشتند استعمال میکروب را در جنگ اکیداً منع کرد و عـدهٔ از دول نیز منع مزبور را قبول و اسنـاد آن را امضـاء نمودند اما بقول سرگرد « ولو [1] » دام پزشك فرانسوی با وجود تمام این اقـدامات دولی کـه در کنفرانس مزبور شرکت داشته و امضاء داده اند خودشان مشغول تهیه و تکمیل آن هستند .

خلاصه بنا برعقیده رؤسای ارتش ، استادان حقوق و سیاستمداران درجنگهای آتیه انواع وسائل و اسلحه بکارخواهد رفت .

مثلاً « De M. Le Fur » معلم حقوق بین‌الملل میگوید : «جلوی ترقی را هرگز نمیتوان گرفت و این خیال واهی است و با خیالات واهی حدی برای اسباب و وسائل جنگ نمیتوان معین نمود » .

« De M. Politis» وزیر یونان و رئیس کنفرانس خلع سلاح این طور بیان عقیده می کنند : « درجنگ ۱۹۱٤ قوانین سابقه اجرا نشده و در جنگ آتیه نیز نخواهد شد و بعد از شروع جنگ نیز حدی بر آن قائل نخواهند شد »

۱ - Commandant Vétérinaire Velu

« De Sir Simon » اظهار میدارد : « دول غیر ممکن است دست از وسائل و آلات جدید جنگی بردارند . »

مارشال « Foch » چنین عقیده دارد : « وقتی که دولتی داخل جنك شد غیر ممکن است تمام وسائل حربی وحتی آنهائیکه منع شده است استعمال نکند خصوصاً وقتی که امید آنرا دارد که با استعمال آن فاتح خواهد شد . »

بنا بگفته ژنرال : « Général Von Metzch » هیچ دلیلی وجود ندارد که میکروب راجزو وسائل جنگی محسوب ننمایند »

« Carl Andres » میگوید : « چقدر آسان است وقتی طیاره ازروی شهر بزرك دشمن عبور میکند ملیاردها از قویترین میکروب هارا بر فراز آن بپاشد . همچنین مانعی نیست که بار ازیت های نباتی را در خاك دشمن ریخته تمام محصول او را معدوم سازد . »

سروان « مایر » می نویسد : « دولتی فاتح خواهد بود که قویترین میکروبها را تهیه کرده و برای آن نیز واکسنی اختراع کند که نیروی خودی را از آسیب آن محفوظ داشته دشمنان را مبتلا گرداند . »

اینها شمهٔ از عقاید زمان صلح است و باین ترتیب البته در موقع جنگ معاهده وقول بهیچوجه طرف اطمینان و اعتماد نخواهد بود .

در ٤ دسامبر ۱۹۳۲ هیئت نظار کنفرانس خلع سلاح چنین نتیجه گرفت که غیر ممکن است جنگ میکروبی و شیمیائی رامنع نمود .

کمیسیون مطالعه جامعه ملل در ۱۹۲٤ باین مسئله پی برد : « دولتی که غفلت کرده وشیفته معاهدات بین المللی بشود درحقیقت تسلیم مرگ شده در جنگ آتیه قادر بدفاع از خود نخواهد بود »

بنابر این در جنگ آتیه یکی از رشته های فعالیت متخاصمین متوجه جنگ میکروبی خواهد بودووظیفه بخصوص همه صنوف ارتش مخصوصاً متخصصین میکروب شناسی است که عده ها را از این مسئله آگاه نموده آنها را برای جنگ مزبور آماده وحاضر سازند .

جنگ میکروبی درگذشته ـ محتمل است قبل از کشف میکروب اشخاصی خیال آنرا کرده باشند که امراض عفونی رابرای دفاع استعمال نمایند چنانچه بنابر بعضی روایات در موقع جنگ جسد طاعونی ها را از روی سنگر ها باردوی دشمن میانداختند که آنها را مبتلا نمایند و در یکی از کتابهای توپخانه ۱۶۵۰ فرانسه می‌نویسد که ارتش موادی رااستعمال می کنند که هوارا عفونی کرده وباعث تولیدامراض مسریه میشود. « شارل نی کل [۱] » مینویسد : در سال ۱۷۶۳ مرض آبله‌را بوسیله لحاف وروپوش های عفونی در بین طوایف « آکادی » سرایت داده‌اند.

بعد از کشفیات پاستور باین مسئله پی بردند که امراض عفونی چگونه سرایت میکند وضمناً تهیه‌میکروبهای‌قوی‌را ازراه کشت‌آسان نمودند. وبنابراین جای تعجب نیست که آلمانها درجنگ بین المللی شروع باستعمال آنها کردند.

برای اولین دفعه میکروب را در سال ۱۹۱۶ استعمال نمودند که « روبردو فلرس [۲] » درکتاب خود موسوم « بجاده جنگ » در مبحثی که بعنوان «زیرسر سفارتخانه است» مینویسد : میکروبهای سیاه زخم ومشمشه راقونسولگری آلمان کرونستات در اطریش به سفارتخانه بلغاری دربخارست فرستاده که درروی آنها نوشته‌شده بودتوسط‌آن سفارتخانه بکلنل«ون هامرشتن [۳] »برسانند؛ بسته هادر ۱۹۱۶ چند روز قبل ازجنگ رومانی وآلمان به مقصد رسید. اجزاء وکارکنان سفارتخانه مزبور چون میبایستی بفوریت سفارتخانه را تخلیه نمایند صندوقهارا در باغ سفارت دفن‌مینمایند. اتفاقاً طوری پیش میآیدکه صندوقها کشف وپرفسوربابس (Babes) آنهاراتجزیه میکنندمعلوم میشودکه مواد درونی آنهامیکرب قوی سیاه زخم ومشمشه است. آنوقت‌رسماً دولت رومانی بوسیله وزیرخارجه خود بتمام دول‌متحده وبی‌طرف قضیه را اعلام میکنند. همین قضیه سرایت مشمشه در سرحد فرانسه یکسال بعد رخ داده و متحد المال شماره ۴۳۶۷ مورخه ۲۶ مارس ستاد ارتش و ۶ ژوئن ۱۹۱۷ قضیه را خبر میدهد.

---

(۱)Charles Nicolle (۲)Robert de Flers
(۳)Colonel Von Hamerstein

باوجودیکه هروقت خواستند میکرب را استعمال کنند پی برده اند باز دست ازکار خود برنداشته ودرصدد استعمال آن بوده اند. درموقع شکست ۱۹۱۸ درسرحد آلمان آلات جنگی میکروبی زیاد کشف شد که متحد المال ۴۳۱۳ - ۳۰ اکتبر ۱۹۱۸ آنرا ذکر میکنند. بالاخره بمب های میکروبی « زوربخ » در اواخر جنگ بین الملل نشان دادکه چقدر میتوان از میکروب استفاده نمود. ضمناً میتوان حدس زد که امراض مسری مشمشه که در اواخر جنگ در ارتش افریقا پیداشد نتیجه همان استعمال میکروب بوده ولی چون صلح در رسیده بود از آن محفوظ مانده ومرض دفع گردید. ازقضایای فوق چنین استنباط میشودکه جنگ میکروبی را نباید واهی تصور کرد زیرا وقوع آن حتمی است وباید انتظار آنرا داشت.

امکان جنگ میکروبی

مبتلا کردن اشخاص بامراض عفونی و ازبین بردن آنها کار خیلی سهلی است و این قضایا در اروپا زیاد اتفاق افتاده و دفاترپارکه بدایت آنجا شاهد قضیه است. چیزیکه اهمیت دارد مبتلا کردن عده های زیاد و بلکه ارتش میباشد.

« شارل نی کل » میگوید: « هرقدر قوه تصوروژنی بشر زیاد باشد باز گاهی میتوان جلو آنرا سد نمود ».

« فایفر(Feiffer)و« برده(Bordet) و « مادسن(Madsen) در ۱۹۱۴ مطالعاتی راجع بجنگ میکروبی برای جامعه ملل کرده و میگویند این جنگ عجالتاً اثر کمی خواهد داد زیرا وسیله دفاع در دست است. آلوده کردن آبها و اسلحه مفید نخواهد بود بلکه برعکس شیشه هائی که پر از میکرب باشد و طیاره ها پرتاب کنند مخاطرات زیاد خواهد داشت.

اضافه میکنند که درحقیقت اثرجنك میکروبی رانمیتوان تعیین ومحدودکرد زیرا ممکن است اول ملت را آلوده نموده بعد بارتش سرایت کند وضمناً بعد ازجنك نیزادامه داشته باشد. درحقیقت میتوان گفت که این جنك ضد دشمن نبوده، بلکه ضد بشریت است.

پروفسور كانو « Canou » كه از طرف جامعه مأمور كشف قضيه بود ذكر ميكنند كه عجالتاً نميتوان معلوم كرد جنك ميكروبى چه اثراتى دارد ولى همينقدر بايد دانست كه علم ميكروب شناسى روز بروز درترقى بوده وراجع بآن غفلت نبايدنمود زيرا ممكن است خطرات فوق العاده زيادى داشته باشد.

سرگرد لوفوبور « Lefebure » ميگويد: « اگر حمله بوسيله ميكروبى بعمل آيدكه درموقع صلح شناخته شده باشد جلوگيرى ازآن با تشكيلات خوب ارتشى مقدور ميباشد زيرا ممكن است وسيله دفاع آنرا طرف بداند و اگر جنك با ميكروبى باشد كه در موقع صلح تحت مطالعه قرار نگرفته باشد تأثيرات آن فوق العاده زياد خواهد بود »

پرفسور اندره ماير « André Mayer » ميگويد: » حدس زدن جنك ميكروبى كه چه تاثيراتى دارد و چطور بايد استعمال كرد كه مفيد واقع شود در حقيقت كارى است مشكل. موضوع سرايت امراض عفونى بطورطبيعى خوب در دست است باينمعنى كه بچه طور پيش رفته و بچه طريق برطرف ميشود، ولى سرايت امراض را مصنوعاً هيچ نميتوان پيش بينى كرد ».

«Velu» رئيس دارالتجزيه ارتش افريقا مخالف عقيده « ماير » ميباشد چون خود راجع به سرايت امراض مصنوعى كار كرده اظهار ميدارد: من باب مثال مرض اسهال ملخ كه باميكروبى موسوم به كوكو باسيل هرل [۱] و پاراتيفوس موش كه بوسيله ميكروب دانيز(Danyss)توليد ميشود ذكرميكنند: اين جنگ بوسيله ميكروب را در ممالك مختلفه استعمال كرده اند درالجزاير، مراكش نتايجى كه حاصل شده مختلف بوده - ازبين بردن ملخ بوسيله ميكروب كارخيلى قابل توجهى است ولى امروزه نميتوان عملى كرد زيرا دقت زيادى ميخواهد كه موفق شدن بآن كار مشكلى است. ولى پس از موفق شدن بهترين و باصرفه ترين طريق ميباشد. البته دراين كاربراى اينكه نتيجهٔ حاصل بشودبايد طريقه استعمال كردكه تمام حشرات را كشته وضمناً گران تمام نشود. در جنگ ميكربى صرفه، سرعت عمل و از بين بردن تمام دشمن در نظر نيست.

(۱) Coccobacille d'Herelle

اسهال موش : دکتر باهر (Bahr) معلم دانشگاه دام پزشکی دانمارك طریقهٔ برای کشتن موش عملی کرده که آنرا سیستم راتن (Systéme Ratin) مینامند . در کنفرانس بین المللی ضد موش که بوسیله پرفسور پتی (Petit) دانشگاه «الفر» تأسیس شده بود سیستم « راتن » مورد بحث قرار داده شد و معلوم گردید نتایجی که در ممالك خارجه گرفته بودند فوق العاده رضایت بخش بوده ، در قسمتهائیکه استعمال کرده اند ۸۰ تا ۹۰ درصد موشهارا کشته اند .

در مراکش در ۱۹۲۹ موقعیکه طاعون زیاد شیوع داشته همین میکروب « دانیز » را بر ضد موش استعمال و نتیجه حاصله نظیر همان نتایج ممالك فوق میباشد .

دیگر از میکروبهائی که برای ضد حیوانات موذی استعمال شده عبارت است از « پاستورلا » برای ضد خرگوش و این قضیه هم اولین دفعه بوسیله پاستور استعمال شده و آن برای از بین بردن حیوانات موذیه که در زیر زمین های « شامپانی » دیده میشد بود . این طریق راپاستوربرای استرالی ها که ضرر فوق العاده زیاد از خرگوش میدیدند پیشنهاد کرد . ولی تاجرهای پوست خرگوش مخالفت کرده نگذاشتند عملی شود . درهر صورت بخوبی واضح شد که چطور میتوان یك مرض عفونی را سرایت داد و بچه طریق پیش رفته و چطور خاموش نمود .

جنك میکروبی نیز برای از بین بردن محصولات استعمال شده . این قضیه مدت مدیدی است که جریان دارد و بخوبی ثابت شده است که هرگاه پار ازیت نباتی در کشور تازه داخل شود بزودی آن کشور را فراگرفته و باعث بدبختی میشود باینمعنی که آفت نباتی است . از این ملاحظات دو منظور معلوم میشود : اولاً ممکن است باین طریق آفات نباتات را از بین برد مثلا در فرانسه بوسیله کوکشنیل (Novius Cardinalis) تمام کوشنیل های سواحل مدیترانه را از بین بردند ثانیاً میتوان پارازیت های نباتات موذیه رااستعمال کرد تا آنهارا ازبین برد . این طریقه نتیجهٔ فوق العاده خوبی بخشیده مثلاً مقداری کاکته (Cactées) را برای ناحیه های کم باران

زیاد کردن در افریقای شمالی ، در استرالی ، در مادا کاسکار ، در هند و غیره در استرالی چون فوق العاده زیاد شده بخصوص در زمین های حاصل خیز نمی گذاشت بهیچوجه زراعت کنند ، درصدد بر آمدند که آنهارا ازبین ببرند . پس از امتحانات زیاد چنین پی بردند که یك کوشنیل «داکتیلو پییوس اوپانتیا » «Dactylopius opunt æ » در آن قسمت زیاد کنند . پس اززیاد کردن بیشتر از آن نوع نباتات موذیه را از بین برده و نباتات موذیه دیگر که باقی مانده بود بوسیله یك پروانه از بین رفت

در مادا کاسکار ـ درقسمت جنوبی مادا کاسکار انواع اوپانتیا « opuntiæ » زیاد میروئید که برای اغذیه اهالی آنجا مصرف میشد، اخیراً یکدسته ازاروپائیهای مهاجر آن ناحیه خواستند که کوشینل توریال را زیاد کنند « Dactylopius cocous » اما بدبختانه اشتباه جزئی درنوع کوشنیل کرده بجای کوشنیل رنگی کوشنیل همان نباتات را زیاد کرده و این وسیله باعث شد که تمام اغذیه آن قسمت را این حشره ازبین برده ساکنین آنجارا معدوم کرد . این طریقه را در جنك بین الملل فرانسویها میتوانستند استعمال کنند چنانچه یکی ازملاحین به کلمانسو اسناد صحیحی پیشنهاد کرد که شخصی را بوسیله طیاره بامریکا فرستاده تا دوری فور (Doryphores) بیاورد وآنرا بوسیله چند طیاره درروی زراعت سیب زمینی آلمانها بریزند تا خاتمه بجنك داده شود . ولی این قضیه مورد بحث علماء واقع گردید و رد شد زیرا بیم این را داشتند که سرایت بخود فرانسه کرده باعث قحطی گردد . بنا براین طریقه فوق العاده مؤثری برای ذلیل کردن دشمن می بود . پس از مثالهای فوق واضح میشود که جنك میکروبی از این راه که در حقیقت غیر مستقیم میباشد ممکن است عملی شود باین معنی که محصول دشمن را از بین برده و در خاك اوتولید قحطی نمایند .

از روی این مثالها بخوبی معلوم میشود که جنك میکروبی برای از بین بردن انسان و حیوان ممکن است مورد استفاده فوق العاده زیادی قرار گیرد و برای این کارسه شرط لازم است :

آ) باید دارای میکروب فوق‌العاده قوی بود - ب) باید زمینه مساعد باشد ج) وسیله دفاع آن میکروب در دست نباشد.

۱ - میکروب قوی را اشخاص متخصص بوسیله قواعدی که در دست است بخوبی میتوانند تهیه کنند. عده میکروبهائیکه ضد انسان یا حیوان میتوان استعمال کرد زیاد است. سر تیپ دکتر رومیو « Médecin général Romieu » در یك مقالهٔ که اخیراً طبع کرده میکروب ها را از نقطه نظر جنگی بچند قسمت تقسیم نموده است :

اولاً - امراض عفونیکه عامل آنها دیده نمیشود وضمناً در دارالتجزیه ها نمیتوان نشو و نما داد مثل گریپ، مخملك، اوریون، آبله ....

ثانیاً - امراضی که میکروب آنها بوسیله میکروسکپ دیده شده اما نتیجهٔ حاصله آن کم است که آنهارا در سرویسهای فرعی میتوان استعمال کرد مثل دیفتری منتریت، پالودیسم، تب زرد.

ثالثاً - دسته میکروبهای جنگی که عبارتند از : طاعون، وبا، اسهال میکروبی امراض حصبهٔ و غیره.

در این دسته سوم دررأس آنها امراضی هستند که در قدیم بلای جان انسانی بودند. میکروب طاعون را بخوبی دردالتجزیه میتوان نموّ داد و سرایت دادن آنهم آسان بوده بوسیله انسان بانسان تولید طاعون ریوی کرده و تلفات آن ۱۰۰ در ۱۰۰ میباشد. طریق دیگر سرایت غیر مستقیم است یعنی بوسیله موش که بکمك کیك انجام می‌گیرد. آنوقت است که طاعون « بوبونیك » را تولید و تلفات آن هشتاد در صد میباشد.

پروفسور معروف آلمانی « Lelin » در ۱۹۱۸ میگوید : « مدتی است در اروپا این مرض دیده نشده وای کاش این مرض مهلك در ارتش ظاهر میشد زیرا بطور تحقیق جنگ را خاتمه خواهد داد »

تیفوس اکزانتوماتیك را که بوسیله شپش وکیك سرایت میکنند میتوان بآسانی

انتشار داد و هم چنین اسهال میکروبی - امراض حصبه که عامل آنها بخوبی معلوم و طریق سرایت آنها نیز واضح میباشد .

برضد حیوانات میکروب امراض ذیل را ذکر میکنند : مشمشه ، سیاه زخم تب برفکی امراضی است که سرایت بانسان میکنند یا ممکن است تصور کنند که آلات نقلیه سریع بجای حیوانات استعمال نمود عملی نبوده هرقدر آلات نقلیه سریع ترقی میکنند استفاده اسب و قاطر بجای خود باقی خواهد بود زیرا در جنك بین المللی بخوبی واضح شد که هیچ چیزی جای اسب را نمی گیرد اولا اسب در راههائی عبور میکند که ماشین ها نمیتوانند از آنجا عبور کنند .

ثانیاً ماشین به لوازمی احتیاج دارد که ممکن است در جبهه جنك پیدا نشود مثل بنزین وروغن و غیره در صورتی که اسب ممکن است چند روز تحمل گرسنگی را کرده از خاروخس بیابان تغذیه نماید .

مشمشه را درجنك بین المللی سرایت دادند وتلفات زیادی وارد آورد . وسیله سرایت دادن آن آسان و جلوگیریش مشکل میباشد و بهمین جهة است که آلمانها باین کار مبادرت ورزیدند .

سیاه زخم مرضی است که پاستور آنرا بخوبی تحت مطالعه در آورده وسرایت دادن آن نیز معلوم میباشد .

ولو «Valu» دومورد مهم سرایت را ذکر میکنند که درافریقا بوسیله یك لاشه سیاه زخم تولید شده بود .

طاعون گاوی مرضی است که سرایت دادن آن فوق العاده سریع و آسان بوده و تلفات زیادی وارد میسازد که چندین سال پیش درایران مشاهده گردید .

مرض هاری را میتوان بآسانی بوسیله چند گربه تزریق شده انتشار داد .

اینچندمرض مختصری بود که ذکرشدالبته امراض زیاد تری موجو داست که اخیراً کشف وذکر کردن آن لزومی ندارد . بالاخره معلوم نیست درزوایای لابرا توآرهائیکه تجسسات میکروبی بعمل میآید چه مخاطرات وچه بلیاتی تهیه میشود که باعث از بین بردن بشر خواهد گردید

باید خاطر نشان کرد که هر قدر از امراض بوسیله ترقی میکروب شناسی وعلم طب از بین میروند امراض دیگری جای آنهارا گرفته روز بروز سخت تر ومهلکتر میشوند .

مثلاً مرض بروسلز « Brucellose » تولارمی « Tularemie » ملیو ایدوز « Melioïdose » تماماً مسری و سرایت کننده بانسان بوده و اغلب کشنده است .

برضد نباتات - امراض و آفات زیادی برای نباتات وجود دارد که میتوان بآسانی منتشر نمود مثلاً « پوپیلیا ژاپونیکا »

« Popillia Japenica » حشره کوچکی است که آفت بزرگی محسوب میشود این حشره میتواند بدویست نبات حمله ور شده و آنرا از بین ببرد . بنا بر این بی فایده است دیگر بیشتر از این بذکر امراض پرداخت، زیرا بقول شارل نی کل شرکت در جنایت محسوب میشود .

۲ - حاضر بودن زمینه برای سرایت امراض عفونی بخوبی مؤثر است . خستگی ، گرسنگی ؛ حرارت زیاد یا کم اعمالی هستند که اشخاص را ضعیف وزمینه را حاضر کرده وامراض عفونی را بخوبی سرایت میدهند . اگر این زمینه در موقع صلح کمتر دیده میشود در موقع جنك معمولی بوده اشخاص را مستعد مینماید و امراض عفونی بیش از موقع صلح سرایت میکنند . امراضی که در موقع صلح تلفاتش کم باشد در موقع جنك فوق العاده زیاد خواهد بود. من باب مثال برای تأثیر زمینه در روش امراض و سرایت آن امتحان معروف پاستور را ذکر میکنیم .

همه میدانیم که مرغ بمرض سیاه زخم مبتلا نمی شود . حتی اگر مقدار زیادی میکروب بآن تزریق کنند مصونیت طبیعی دارد .

حال اگر پای مرغ را در آب سرد گذاشته تزریق کنند مبتلا شده تلف می گردد . بنا بر این بخوبی ثابت میشود که سرما مرغ را حاضر میکند که مبتلا بمرض شود .

سروان والاد « Valade » میگوید : در موقع جنك بین الملل مرض دیفتری بشکل ساری دیده شد و علت آن فقط حمل و نقل سربازان بوسیله واگونهای سرد

بوده است . اپی‌دمی . منژیت سربرو اسپینال را در نتیجه سان دیدن روز سردی ذکر میکنند و همچنین اپی زئوسی سیاه زخم اسب در نتیجه روز بارانی که مانور میکردند دیده شد . البته معلوم است که این امراض در موقع صلح بشکل ساری دیده نمیشود ولی جنك زمینه آنرا حاضر میکند .

۳ ـ نداشتن وسیله دفاعی ـ یا اداره کردن بد ـ با ترقیات روز افزون علم طب و سرمهائی که برای غالب امراض تهیه شده چنین تصور میرود که درجنك میکروبی ، ممکن است ازتأثیرات پر خطرآن جلوگیری کرد زیرا برای امراض معلوم سرم یا واکسن در دست است که میتوان برای دفاع استعمال نمود . شاید فرض بشود میکروب امراضی که واکسن وسرم ندارند دشمن بطورتحقیق استعمال نمی کندچه‌بسا محتمل‌است که مرض بقسمت‌خوداوبرگشته باعث تلفات گردد . البته این‌تصوروراهی‌است زیرادشمن چندین میکروب درآن‌واحداستعمال میکند و نفرات خودش‌را واکسن و سرم میزند که مصون بمانند . چون چندین میکروب استعمال کرده تا تشخیص هر یك داده شود و سرم و واکسن آنرا تزریق نمایند تا اندازهٔ تلفات خواهد داد . آنهم بسته بداشتن تشکیلات صحیح است اگر تشکیلات صحیح نباشد تلفات فوق العاده زیاد خواهد بود . در این مواقع حتی المقدور باید احتیاط ها و تدابیر لازمه را اتخاذ نموده باشند و برای امراضی که معلوم است سرم و واکسن تهیه کرده و بانتظار امراض آتیه همیشه وسائل کامل مطالعات میکروبی مهیا و موجود باشد .

برای واقف شدن به مخاطراتی که از سوء تشکیلات تولید می شود باید بمجله دام‌پزشکی فرانسه ۱۹۲۰ مراجعه کرد که در موقع صلح عبور دادن چند گاومیش مریض چه تلفات زیاد و مخارج هنگفتی که بالغ بر چندین ملیون‌میبود بر دولت بلژیك واردآورد و فرانسه را تاچه اندازه متزلزل‌نمود . البته این قضیه با عدم توسعه کانون سرایت مرض‌ومیکروب ضعیفی بوده در صورتیکه میکروب قوی وکانون زیاد باشد تاثیرش فوق‌العاده زیاد خواهد بود .

رویه های عملی جنگ میکروبی : رویه عملی جنگ میکروبی زیاداست.فقط

ما از نقطه نظر تکنیکی امتحان میکنیم .

سرایت دادن میکروب کارمیکروب شناس نیست بلکه کارفرماندهی بخصوص میباشد (رکن دوم) .

سرایت دادن بدو طریق انجام میگیرد :

اولاً - سرایت مستقیم یعنی سرایت ازشخص مریض باشخاص دیگر یاازشخص تزریق شده باشخاص دیگر .

ثانیاً - سرایت غیر مستقیم . یعنی اشیاء ، هوا ، غذا و غیره را آلوده کرده میکروبرا بوسیلهٔ اینها سرایت میدهند .

۱ - سرایت مستقیم : انسان و حیوان رُل مهمی را میتوانند در این قسمت انجام بدهند . مرض ممکن است مخصوص نوع انسان یا حیوان باشد یامشترك بین انسان و حیوان .

سرایت از شخصی به شخص دیگر: یکی ازانواع سرایت زیاد مرض مخصوص موقعی است که نفرات با هم زندگی کرده وعدّه‌شان زیاد باشد . این طریق عملی تراز طرق دیگر است .

۲ - سرایت غیرمستقیم : آلوده کردن زمین ، هوا ، آب وغیره . این طریقه نتایج مختلفی بدست میدهد .

تزریق کردن بحیوان یکی از طرقی بود که در جنك بین الملل اختیار شد و بوسیله آن بهتر توانستند مرض را بانسان سرایت دهند .

آلوده کردن آب بوسیلهٔ ذیل انجام میگیرد :

هر روزه درمخزن عمده آب ده لیتر میکروب قوی میریزند .

آلوده کردن هوا بوسیله ابرهای مصنوعی که طیاره ها تولید و منتشر مینمایند ممکن است انجام گیرد .

امتحانات متعدد تریلاTrillat درانستیتوپاستور پاریس که مدت بیست سال طول کشید بما ثابت میکنند که یك قطره خیلی ریز میکروب دارکافی است که حیوانات

یا اشخاص را بمرض مبتلا کنند در صورتیکه اگر همین مقدار را بوسیلهٔ جهاز هاضمه بدهند تاثیر نخواهد کرد. بنا بر این از امتحانات عالم فوق معلوم میگردد که ابر میکروبی تاثیرش فوق‌العاده زیاد خواهد بود. درهرصورت انواع جنگ میکروبی خیلی زیاد میباشد چنانکه چند طریق آن در فوق ذکرشد. حال بپردازیم به نتایجی که طرق مختلفه مزبور میدهد.

تصور کنیم که جنگ میکروبی شروع شده قبل از اینکه جنگ رسمی شده واعلان آن داده شود، چند نفر پلیس مخفی مأمور میشوند که در نقاط مختلفهٔ یك مملکتی مرض طاعون گاوی را نشردهند. قضیه سیر مرض بتحقیق مثل قضیه بلژیك در ۱۹۲۰ خواهد بود منتهی تفاوتی که موجود است بجای اینکه یك کانون اصلی مرض انتخاب نمایند ۱۰ یا ۱۵ یا ۲۰ یا ۱۰۰ کانون ایجاد میکنند. پس از یك مدت کمون مرض، آثار آن ظاهر شده در ابتدا تصورمیرود که تب برفکی است. بطوریکه دستور داده شده پلیس مخفی قبلاً بگوساله هامرض راسرایت میدهد. در همین حین اعلان جنك داده میشود. البته آنوقت کسی وقت رسیدگی به امراض عفونی را ندارد. حیوانات چون با هم در گله و رمه هستند و از دهی بده دیگرمیروند مرض را تعمیم میدهند. بطوریکه تا موقع تشخیص مرض وقت گذشته وتمام کشور را مرض گرفته است. درهمین حین پلیس های مخفی دیگری مرض پی‌سی تاکوز «Psittacose» را منتشر میکنند. اینمرض بسرعت پیش میرود پزشکان ودام پزشکان درصدددفع آن برمیآیند. پس از مدتی که واکسن وسرم تهیه میشودتلفات فوق‌العاده زیاد بوده ارتش بدون گوشت میماند. در اینموقع چندین کانون مشمشه در جبههٔ ایجاد میکنند. البته نه مشمشه تنها بلکه توأم با ملی ائیدوز « Mellioïdose ». مرض سرایت بانسان کرده واهمه در ارتش تولید میکند ودرآن واحد کانونهای طاعون انسانی ظاهرمی‌گردد. اشخاص مریض یا اشخاصیکه بمرخصی میروند مرض را بمرکز برده تولید صد ها کانون مرض کرده و تشخیص آن قدری مشکل است زیرا دشمن نه‌فقط میکروب طاعون را استعمال کرده بلکه باسیل تولارانس «B. Tularens» را بآن اضافه میکند که در موقع تشخیص متخصصین را باشتباه بیاندازد. باینمعنی

تصور کنند که از گوشت ماندهٔ که از خارج می آورند اینمرض تولید شده . فرماندهی با بودن این امراض مجبور است از پیشروی ارتش کم کرده در اغلب از قسمتها خستگی و مرض روح نفرات را کسل و فرسوده می کنند . ضمناً ممکن است شنیده بشود که محصول آتیه بوسیله حشرات مختلفه دشمن خراب و قحطی پیش آمده است . در همین موقع که دشمن در لابراتوآرهای خود میکروبها را قوی کرده و واکسن آنهارا باسم واکسن حصبه که توجه‌را جلب نکند تزریق کرده است، چون ایمنیت داشته جبهه را شکافته داخل اردوگاه طرف میشود، خودآنها مصون مانده و باین طریق دشمن را مغلوب میکنند .

بطوریکه معلوم گردیده در جنك میکروبی مخصوصاً امراضی را که در قدیم یك کشور را عاجز کرده و از بین میبرد تولید میکنند و بدین وسیله سرعت انتشار آن زیاد تر میشود . البته در موقع صلح پس از اکتشافات پاستور با بودن واکسن و سرم ازاین قبیل امراض عالمگیرممکن است جلوگیری بشود .

از مطالبی که بطور خلاصه گفته شد معلوم میشود که جنك میکروبی تأثیرات فوق‌العاده وخیمی دارد، بخصوص که توأم با جنگهای دیگر باشد .

جنك میکروبی جنگی است قطعی که در آتیه خواه ناخواه رخ خواهد داد چنانکه سرتیپ « رومیو » میگوید : « همه چیزممکن است ازانسان سربزند وانتظار همه نوع شیطنتی را باید از او داشت »

دفاع ضد جنك میکروبی

مثل قدیمی معروفی است که میگویند علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد بنا بر این باید در نظر داشت که جنك میکروبی اتفاق افتاده است و باید در آتیه هم کاملاً پیش بینی بشود .

بقول نمایندگان جامعه ملل : اولا – وقوع چنین جنگی غیرممکن نیست زیرا از ترقی علم باکتریولوژی نمی‌توان جلوگیری کرد گرچه ظاهراً عملیاتی که میشود برای خدمت بنوع بشر است .

ثانیاً – در زمان صلح وجود ادارهٔ بهداری خوب و کامل التجهیزی که

دارای تشکیلات صحیح و وسائل کافی باشد، بهترین مدافع جنك میکروبی است

ثالثاً – با وجود یك چنین تشکیلاتی که کاملا هم مرتب باشد نمی توان به آسانی جلوی امراض مسری را که دشمن تولید میکند گرفت وحتی المقدور پزشك و ودام‌پزشك باید دراینمواقع با هم کاربکنند که بخوبی آشنا باین قضایا باشند وتشکیلات دفاع ضد جنك میکروبی از موقع صلح بر روی اساس محکمی ریخته بشود. چنانکه تشکیلات دفاع ضد میکروب عبارت خواهد بود از:

۱ – مطالعه تمام میکروبهائیکه در جنك میتوان استعمال کرد.

۲ – تشکیلات لابراتوآر های مجهز

۳ – تعلیم عدهٔ که مامور تشخیص امراض عفونی ودفاع این قبیل امراض هستند.

٤ – تعلیم نفرات بخطرات جنك میکروبی و عوارض آن

آ) **مطالعه میکروبها**: بایستی میکروبهائی را تحت مطالعه درآورد که در خود مملکت نبوده و اخیراً کشف شده و شدت سرایتش خیلی زیاد است. برای این کارباید ازآلمانها تقلید کرد. میکروب «تولارمی» درمملکت‌آنهاوجودنداشته اما آنها فکرآنراکردندکه یك‌روزی‌ممکن‌است‌پیداشود. دارالتجزیه های بزرك آلمان امتحانات و تجسسات زیادی درروی این‌میکروب‌کرده ومشغولند. چون میکروب خیلی قوی بوده، میکروب تولارنس‌را بوسیله ماده قانون ۲۱ نوامبر ۱۹۱۷ و قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۰۹ که عملیات اشخاص در روی آن قدغن است مثل میکروبهای طاعون، وبا، مشمشه و غیره قدغن مینماید

ب) **تشکیلات لابراتوارهای مخصوص این کار**: تشکیلات یك چنین لابراتوآرها پایه دفاع این‌کارمیباشد. باید نفرات‌آن فهیم، تحصیل کرده ووسائل‌آن ازجدید ترین وسائلی که موجوداست تهیه‌شود – این لابراتوآرها فقط اپی دمیها را مطالعه میکنند. اپی زئوس ها مخصوص دارالتجزیه های دیگر خواهد بود.

ج) **تعلیمات نفرات دفاع ضدمیکروبی**: اغلب ازپزشکان ودام‌پزشکان یك مملکتی آشنا بامراض دیگر ممالك خارجه نبوده باید بآنها تعلیمات مخصوصی داده و آنها را در جریان امراض جدیدیکه کشف میشود گذاشت و ضمناً وضعیت امراض تولیدی را بآنها آموخت.

مسائلی که باید آنها را زیاد در جریان نشان گذاشت محافظت مخزنهای آب ، انبارهای غذای نفرات ، محافظت گله ها و غیره است . تمام این قضایا را باید به قسمتها آموخت زیرا دفاع ضد میکروب خیلی مشکلتر از دفاع ضد گاز و غیره است وقتیکه دشمن بامیکروب حمله کند بزودی ملتفت نمیشویم ، درصورتیکه باگاز ووسائل دیگر زودتر آگاه میکردیم .

د) **تربیت توده برای واقف شدن ازخطر میکروب** : همانطوریکه دفاع ضد طیاره را تشکیل میدهند نمی توان تشکیلاتی برای دفاع ضد میکروب داد ، باید فقط نفرات نظامی یاغیر نظامی را تربیت کرده و آنها را در جریان مخاطرات جنك میکروبی گذاشت ووسائل جزئی دفاع را از قبیل مجزا کردن مریض و ضد عفونی کردن و غیره بآنها آموخت .

بقیه دارد

سروان دکتر علي شمس ـ متخصص میکروب شناسی

سیر تکاملی اسلحه پیاده نظام

در اینکه پیاده نظام در محاربه مأموریت اصلی را عهده دارد و یگانه صنف کاملی است که می تواند بوسیلهٔ حرکت و آتش محاربه نماید بهیچوجه جای شبهه و تردید نیست وهمچنین این نکته‌نیز مسلم است که هیچیك از صنوف دیگر نمیتواند در اجرای مجموع ماموریت های پیاده نظام جانشین او بشود وفقط فتح یاشکست پیاده است که نتیجهٔ قطعی جنگ را تعیین مینماید - بالاخره این صنف است که بیش از سایر صنوف در معرض تاثیرات قدرت آتش بوده و همیشه سعی کرده است که بوسیلهٔ تکمیل اسلحه خود از این قدرت حد اکثر استفاده را ببرد.

اسلحه وادواتی که امروزه در دسترس پیاده نظام گذارده شده بطور کلی از این قرار است :

الف - اسلحه‌دارای تیر کشیده : تفنگ (بلند یا کوتاه) مسلسل سبك - مسلسل سنگین - طپانچه و رولور.

ب - اسلحه دارای تیر منحنی : نارنجك های دستی و تفنگی، ادوات تیر فیقی.

وبعضی ادوات تعرضی دیگر ازقبیل ارابه های جنگی و غیره.

I - اسلحه‌دارای تیر کشیده

۱ - تفنگ : تا قرن شانزدهم اسلحه پرتاب کننده قابل حمل و نقل فقط عبارت از تیر و کمان بوده ولوله های دستی گرچه از قرن چهاردهم وجود داشته ولی حرکت دادنی نبوده است زیراباروت چاشنی توسط هیچ عضوی نگاهداری نمیشد ومانع از این بود که تیرانداز با اسلحه پر کرده خود حرکت نماید.

اولین سلاح آتشی قابل حمل و نقل شمخال فتیله ایست که درقرن پانزدهم

در ارتشهای اسپانیول، آلمان و سویس معمول بود . در این اسلحه باروت چاشنی در خزانهٔ که دارای سرپوش است قرار گرفته و سرباز می توانست با اسلحه پر کرده و چاشنی گذارده شده حرکت نماید .

اوائل قرن ۱۷ ظهور دستگاه حامل سنك چخماق باعث شد کـه در نتیجهٔ عمل ماشه چخماق روی خزانهٔ سرپوش افتاده و تولید جرقه که باعث اشتعال باروت خزانه است گردد ــ این نوع تفنك با بردنهائـی ۲۰۰ متر وسرعت تیر اندازی ۱ الی ۲ تیر در دقیقه در مدت دو قرن باقی و متداول بود .

بنا بر این می توان سیر تکاملی تفنك یعنی سلاح انفرادی پیاده نظام را ازابتداء قرن نوزدهم دانست زیرا بطوری که فوقاً اشاره شد تا ۱۸۰۶ اسلحه این صنف فقط تفنك چخماقی بوده و درسال ۱۸۷۰ الی ۱۹۱۴ ترقیات بالیستیکی وتکمیلات صنعت وسائل افزایش برد، سرعت ودقت تیراندازی را فراهم کرد و همچنین استعمال باروت بی دود در افزودن تأثیر آتش پیاده نظام شرکت کرده، تیر انداز را از انظار وتیرهای دشمن محفوظ داشت . امروزه گرچه نمیتوان تفنك را یگانه وسیله محاربه پیاده نظام دانست ولی میتوان آنرا کاملترین ومطمئن‌ترین وسیله دفاع تاحدود ۴۰۰ متربروی هدفهای متفرق محسوب داشت .

وزن تفنگ ـ گرچه تفنك سبك دارای مزایای بسیار است زیرا علاوه بـر اینکه باعث نقصان وزن محمولات نفر میشود و درنتیجه میتوان بر تعداد فشنك آن افزود ولی اگر بخواهیم عقب زدن قابل تحمل و استحکام کافی وقدرت بالیستیکی زیاد داشته باشیم نمیتوان سلاح خیلی سبکی داشت بنابراین نباید زیاد درصددسبك کردن وزن تفنگ برآمد .

امروزه وزن تفنگهای معمولی درارتش کشورهای مختلف بتفاوت بین ۳ر۸۰۰ و ۴ر۲۵۰ کیلوگرم است

وزن باید طوری تقسیم شود که خسته کننده نبوده مرکز ثقل بطور محسوس در زیر دست چپ و معمولاً زیردرجه آن باشد. حالیه معلوم شده که وزن تفنگ

(حتی‌الامکان با سرنیزه آن) باید از ۴ کیلو گرام تجاوز ننماید زیرا سنگینی وزن بار پیاده نظام هم اغلب باعث عدم موفقیت است .

طول تفنگ ـ اگرچه محسنات تفنگ کوتاه در مدت جنگ کاملاً بثبوت رسید و تفنگ بلند فعلی‌هم جارا زیاد میگیرد ولی معهذا تفنگ باید دارای طول کافی و تقریباً ۱٫۲۵ متر باشد تا در موقع ضربت در نفر تولید اطمینان نماید ولوله بایدبقدر کفایت (۰٫۷۲ الی ۰٫۸۰) بلند باشد تا خواص بالیستیکی لازمه رابرای تیر اندازی اجتماعی در مسافات بزرگ حفظ نماید .

خوش دستی تفنگ شکل وطول قنداق تیراندازی را تسهیل میکند . دربعضی از اسلحه محل دست تیر انداز دارای برآمدگی است که تکیه دست وآزادی‌انگشت راروی ماشه بهتر تأمین میکند و راحتی تیر اندازی مربوط است بطول موجوده بین سطحه ته قنداق ودنباله ماشه . این طول درتفنگ بلند ۰٫۳۴ متردرکارابین ۰٫۳۲ متر است و واضح است که چنین طولی کاملاً برای کلیه نفرات که بلندی بازوی آنها متفاوت است مناسب نیست ویك سرباز متوسط باطول مذکور براحتی می تواند تیر اندازی‌نماید درصورتیکه یکنفرسرباز کوتاه بزحمت موفق شده واز ارزش تیراندازی وی کاسته میشود. باید محافظت دست تیر انداز را از سوختن نیز در نظر داشت وبرای این منظور روکشهای چوبی که روی لوله‌را درطول زیادی می پوشاند و اسلحه را میتوان خواه برای تیر اندازی و خواه برای محاربه با سر نیزه براحتی بکار برد بهتر است .

سرنیزه ـ وزن سرنیزه کمتراز ۰٫۳۵۰ کیلوگرم وطول‌آن بامحسوب‌داشتن دسته نبایستی از ۰٫۴۰ متر تجاوز نماید .

برای کمی مکان متفرقه و بار سرباز و همچنین گذاشتن سر نیزه باختیار هر کس بهتر است که سرنیزه در جزء تفنـك بوده و در قنداق آن جای داده شود . سرنیزه برای هرسرباز پیاده وحتی سوارنظام که ممکن است بحال پیاده محاربه‌نماید نهایت لزوم را دارد . شدت زخم‌های حاصله توسط سرنیزه بیشتر مربوط بطول‌آن است و بعلت استفاده‌ای که خارج از محاربه ازسر نیزه هائی که لبۀ آنها برنده است

برده میشود بر سر نیزه هائی که فقط نوك آنها تیز است ترجیح دارند. بالاخره از مختصات تفنگهائی که امروزه در دست افراد ارتش کشورهای مختلفه است کشیدگی خط تیر، صحت، دقت و سرعت تیراندازی، سبکی وزن وسهولت استعمال آن را در تمام وضعیات باید قائل شد وتفنگ نمونه ۱۳۰۹ مخصوص ارتش شاهنشاهی ایران از این جهات و از حیث نوع فلزّ کاملاً ممتاز است.

۲ - مسلسل سبك - مسلسل سبك سلاح جنگی و قابل تحرکی است که قدرت آتش آن باندازه مسلسل سنگین نیست ولی دارای تأثیرات روحی بزرك بوده و درشرایطی که برای برقراری مسلسل های سنگین مشکل است داخل عمل میشود. با این اسلحه ممکن است با همان نوار های نرم مسلسل سنگین که طول آنها کمتر است (۱۰۰ فشنك) و یا با شانه هائی که اقلا دارای ۲۰ فشنك باشد تیر اندازی نمود تیراندازی آن تك تك یا رگبارهای (٤ الی ۷ فشنك) ویا آتش های طوفانی (بیش از ۱۰ فشنك) خواهد بود - بواسطه سبکی وزن آن تیرانداز مسلسل می تواند در کلیهٔ عملیات تعرضی آنرا در جلوی جوخه حمل نموده وبهدفهای خیلی نزدیك در حال حرکت نیز تیراندازی کند.

ذیلاً چند نمونه از مسلسل های سبك مستعمله در ارتش کشورهای مختلف شرح داده میشود:

مسلسل سبك نمونه ۱۸-۱۹۰۸ آلمانی باخنك شدن بوسیلهٔ هوافقط دارای ۱٤ کیلو گرم وزن بوده و در بهار سال ۱۹۱۸ هرگروهان آلمانی دارای شش قبضه ازاین اسلحه بود (هردسته دوقبضه) - مسلسل سبك انگلیسی لویس نمونه ۱۹۱۵ که از گرفتن گاز استفاده نموده و در هوا پیماهم بعلت طریقه فشنك رساندن آن (دائره) خیلی قابل توجه واقع شده سرعت عملی تیراندازی آن در حدود ۱۵۰ تیر و وزن اسلحه بادستگاه اتکاءکامل (دوشاخه وپایه عقب) ۱٤ کیلو گرم است، فنر ارتجاع آن شکننده و مستلزم تنظیم مکرر میباشد.

مسلسل سبك ایتالیائی S.I.A. نمونه ۱۹۱۸ وزن کلی آن ۱٦٫۳ و سرعت

عملی تیر اندازی آن ۱۹۰ تیر و شانه آن دارای ۵۰ فشنـك است . مسلسل سبك ایتالیائی (Brixia) نمونه ۱۹۲۱ وزن کلی آن ۱۲ کیلوگرم وشانه آن دارای ۳۵ فشنك است . ابعاد تقلیل یافته آن کاملا متناسب وطریقه سریعی برای تعویض لوله بکارمی برد .

مسلسل دارن (Darne) نمونه ۱۹۲۳ که مشتق ازمسلسل هوائی نمونه ۱۹۱۸ است به وزن ۱۰ کیلوگرم وبا نوار ۱۵۰ فشنگی تیر اندازی مینماید .

مسلسل سبك نمونه ۱۳۰۹ ارتش شاهنشاهی ایران که درنتیجه اخذ گاز باروت بخودی خود پرشده آتش میکند وزن آن تقریباً ۹ کیلوگرم وسرعت تیر اندازی آن ده تیر درثانیه (عملا در هر دقیقه ۱۶۰ تیر) بوده وبوسیله شانه هائی که محتوی ۲۰ فشنك است تغذیه مینماید وبا آلات نشانه روی مخصوص قادر به تیر اندازی به طیاراتی است که درکمتر از ۸۰۰ متر پرواز مینمایند .

مسلسل سنگین : اولین استعمـال مفید عمل مسلسل در اسلحه نمونه ۱۸۸۲ انجام گرفت . گرچه قبل از هیرام انتسون ماکزیم درصدد استفاده از عقب نشینی بودند ولی ماکـزیم اولین کسی است که آنرا بمنظور عمل مشخص بـکار برد ولی مبدأ مسلسلهـا را میتوان از سال ۱۸۶۰ کـه ظـهور فشنك فلزی است دانست . مسلسل های امریکا از زمان جنك کشور های متحده وجود داشته . این ادوات سنگین و اصولا شبیه به رولورهای بزرگی بودند و بافشنگهای کالیبر ۱۲ ر۱۴ ر۳۵ میلیمتر تیراندازی مینمودند .

فرانسویها درآنزمان درجستجوی ادواتی بودند که قابل اجرای تیرهای ساچمهٔ توپخانه باشدو رمیات اسلحهٔ جدیدبایستی جانشین جعبه های ساچمه گردد که تیراندازی آنها بالوله خان دار مشکل بود . بدین طریق اسلحهٔ ساخته شد موسوم بمسلسل رف (Reff) این اسلحه تشکیل شده بود از ۲۵ لوله شبیه به لوله‌های تفنك ویکدسته باعث عزیمت گلوله ها میگردید ـ گلوله های آن با کالیبر ۱۳ میلیمتر ازسرب سرپوشدار ساخته شده ودارای ۵۴ گرم وزن بود . تمام حرکات بوسیله دست اجرا میشد ـ وزن این اسلحه درحدود ۸۶ کیلوگرم وسرعت **تیر اندازی آن** ۱۰۰ الی ۲۰۰ تیربود ـ بمرور چندین لوله

از بین رفت و یك لوله جانشین آنها گردید و طریقه عمل اسلحه خود کار شد. اولین مسلسل درانگلیس توسط ماکزیم درسال ۱۸۸۳ ساخته شد- وزن آن ۳۰ کیلوگرم و بافشنك تفنگهای معمولی تیراندازی میکرد . این اسلحه ابتدا درچند جنك مستعمراتی استعمال شد و بعد در ارتشهای اروپائی مورد قبول واقع گردید. ابتدا دولت سویس در ۱۸۹۸ تشکیل قسمتهای مسلسل ماکزیم را داد و در سال ۱۹۰۲ آلمان نیز اقدام باین عمل نمود. جنك روس و ژاپون در ۵.-۱۹۰٤ اولین دفعه تجارب قطعی را حاصل نمود و بعد از آن تمام دول معظمه مسلسل را در اسلحه ارتشهای خود داخل نمودند.

در اوائل جنك مسلسل رسمی فرانسه ، مسلسل ۱۹۰۷ معروف به «سنت اتین» بود ولی بالاخره دولت فرانسه مسلسل هوچکیس نمونه ۱۹۱٤ را بمسلسل ۱۹۰۷ ترجیح داد زیرا گرچه مسلسل ۱۹۰۷ سرعت های زیادی بدست میداد ولی خیلی ظریف و اشکال عمده عدم امکان استعمال آن با نفرات بدون تعلیمات کافی بود. ولی مسلسل هوچکیس خیلی محکم و خدمت آن ساده و برای جنك قابلتر بود معهذا ساختن و استعمال نوارهای آن بی اشکال نبود.

مسلسل آلمانی ماکزیم تمام شرایط لازم یك اسلحه جدید را حائز بود و علاوه بر مسلسل های سنگین و سبك و طپانچه های مسلسل آلمانها در صدد تهیه مسلسل مخصوص ضدعرابه های جنگی و طیاره‌های زره پوش بر آمدند. در اواخر جنك مسلسل «دریز» که خیلی ساده و قوی بود جزو اسلحه آلمانها نیز کشف شد.

مسلسل انگلیسی ویکرس از نقطه نظر عمل مانند مسلسل ماکزیم است و در هوا پیما نیز استعمال شده است. مسلسل ایتالیائی فیات که با فشنك ایتالیائی ٦٫٥ میلیمتری تیر اندازی مینماید شانه آن ۵۰ فشنگی و وزنش با آب انبار مملو تقریباً ۱۸ کیلو گرم وزن سه پایه آن ۲۰ کیلوگرم و ظرفیت آن ٦۰۰ گلوله میباشد.

مسلسل امریکائی برونیك نمونه ۱۹۱۷ با ظرفیت ٤٥۰ گلوله و با مهمات پیاده نظام و نوار نرم پارچهٔ که شامل ۲۵۰ فشنك است تیر اندازی میکنند وزن آن

با انبار پر ۷ر۱۶ کیلوگرم و مزیت این مسلسل سادگی زیاد و قوی بودن آن است

چون تأثیرات روحی و مادی مسلسل روز بروز بیشتر محسوس میشود باینواسطه در صدد ازدیاد وعمومیت دادن آن بر آمـده اند چنانچه از ابتداء جنك هر هنك پیاده نظام فرانسه فقط دارای سه دسته (٦ قبضه) مسلسل سنگین بود ولی درسال ۱۹۱۸ برای هرهنك پیاده فرانسه ٤۸ قبضه مسلسل سنگین منظور گردید (درهر گردان یك گروهان مسلسل ۱٦ قبضهٔ).

مسلسل سنگین نمونه ۱۳۱۰ که امروزه در ارتش شاهنشاهی ایران مستعمل است همان مسلسل های سنگین ساخت کارخانه اسلحه سازی برن (با جزئی تفـاوت میباشد) زیرا درنتیجه تجربیات جنك اخیر و پس از آن این اسلحه بقوت خود باقی ماند. مسلسل سنگین ارتش شاهنشاهی دارای کالیبر ۹ر۷ و اسلحه ایست بـا لوله متحرك که توسط گـاز مستقیم باروت کار کرده و عملیات پر کردن، ضربت زدن و خالی کردن را خود بخود انجام میدهد و سه پایه آن که عامل مهم صحت تیراست بواسطه سبکی وزن شرایط تعادل اتکاء کامـل اتصال سهل و محکم و سهولت انتقال آتش یکی ازبهترین سه پایه های موجوده میباشد.

٤ - **طپانچه ورولور** : طپانچه ورولور اسلحه تـدافعی انفرادی متخصصین و درجه داران میباشد و در مسافات خیلی کوچك و محاربه تن به تن استعمال میشود رولورها از نقطه نظر تاکتیکی همیشه نقیصه دارد زیرا راه حـل ادامه تیر اندازی موجود- بین چلیـکه باعث بهدررفتن گـاز است و مستلزم استعمال باروت شدیدی است که طول مدت اشتعال آن تناسبی با طول لوله ندارد و برای اجتناب از آن در صدد بر آمدند رولورهائی تهیه کنند که در آن ها چلیکه در لحظه عزیمت گلوله بجلو برود مانند رولور ژیتای (Gilthay) و پی پرناگـان - (Pieper nacant) ورولور سال ۱۹۰۰ که در « لییژ » ساخته شده و در ارتش روس معمول گردید. از رولورهای قابل ملاحظه رولور نمونه ۱۸۹۲ میباشد که سرعت تیر اندازی آن ۱۲ تیر در دقیقه و در طپانچه خودکار ۱۸ تیر در دقیقه است دقت و قدرت مرمی ها در

مسافات بیش از ۵۰ متر بد است در جزء طپانچه های فعلی قوی‌ترین آنها عبارتند از :

طپانچه امریکائی کلت دارای کالیبر ۱۱٫۲۵ میلیمتر و سرعت ابتدائی ۲۳۶ متر و قدرت توقف آن در ده متری ٤٦ کیلوگرم متر است .

طپانچه آلمانی ماوزر دارای کالیبر ۷٫۶ میلیمتر و سرعت ابتدائی ٤۱۰ متر و قدرت توقف آن ٤۷ کیلوگرم متر است. طپانچه آلمانی کوتاه نمونه ۱۹۰۸ دارای کالیبر ۹ میلیمتر و سرعت ابتدائی ۳۳۰ متر و قدرت توقف آن بیش ٤٤ کیلوگرم متر است .

لوله اسلحه اخیر در ابتداء بطول ۱۲ سانتیمتر بود ولی بعد در نوع طویل آن طول لوله به ۲۰ سانتیمتر افزایش داده شد و این قضیه باعث موثر بودن اسلحه تا ۸۰۰ متر گردید و خزانه آن دارای ظرفیت ۳۲ فشنگ میباشد .

طپانچه انگلیسی دبلی دارای کالیبر ۱۱٫۵ میلیمتر و سرعت ابتدائی ٤٥۷ متر و قدرت توقف آن در حد اکثر ۱۵۰ کیلوگرم متر است .

افزودن یك قنداق یدکی به طپانچه های با لوله طویل باعث حصول دقت کافی تا ٤۰۰ الی ۵۰۰ متر گردیده مانند طپانچه ماوزر طپانچه نمونه ۱۹۰۸ (پارا بلوم) طپانچه برو نینك ارتش بلژیك و در ماوزر آلمانی جلد آنرا ممکن است مانند قنداق بکار برد .

طپانچه های مسلسل : بعضی از کشورها در آخر جنك مصم شدند که طپانچه با تیر اندازی خود کار را که موسوم به طپانچه مسلسل است قبول کنند که عمده آنها عبارتند از : طپانچه مسلسل آلمانی نمونه ۱۹۰۹ شانه آن ۳۲ فشنگی و سرعت تیر اندازی عملی آن ۱۰۰ تیر در دقیقه است .

طپانچه مسلسل ایتالیائی 50V.P. دارای سرعت بسیاری است وفشنك آن فشنك ۹ میلیمتر و آهنك تیر آن ۱۲۰۰ تیر است .

طپانچه مسلسل تمپسون (Thompson) ساخت شرکت کلت که در کشورها متحده امریکا استعمال میشود .

تیر آن ۹۰۰ الی ۱۰۰۰ تیر در دقیقه بوده ممکن است با این اسلحه تیر تك تك نیز اجرا نمود.

شانه‌های مختلف آن ۲۰ یا ۵۰ و یا ۱۰۰ فشنگی است.

II ــ اسلحه دارای تیر منحنی

۱ ــ نارنجکهای دستی و تفنگی ــ چون کافی نبودن ادوات آتشی دارای تیر کشیده مخصوصاً پس از استقرار جبهه کاملاً واضح گردید از برای بکار بردن ادواتی که زدن دشمن را در داخل زمین اجازه دهد از اواخر سال ۱۹۱٤ شروع به تهیه نارنجکهای دستی و تفنگی شد.

در سال ۱۹۱٤ هیچ اعتباری برای تهیه نارنجك باستثنای قلاع پیش بینی نشده بود ولی در سال ۱۹۱۸ دو ملیارد برای ساختن ششصد ملیون نارنجك بمصرف رسیده بود.

تاریخچه نارنجکها ــ در قرن ۱۵ که گلوله های گرد خاکی مملو از باروت ظاهر گردید با دست پرتاب و قدیمترین شکل نارنجکهای دستی محسوب میشد و در قرن ۱٦ و ۱۷ استعمال این قبیل گلوله ها عمومیت یافت چنانچه سوئدیها آنرا در جنگهای سی ساله بکار بردند.

در ابتدای قرن ۱۷ اغلب گلوله های از آهن ذوب شده را برای حمل خرج بکار میبردند ولي چون در موقع احتیاج تهیه مقدار کافی آهن امکان نداشت بمبهائی که از خاك و سرب ساخته شده بود استعمال مینمودند و بر طبق وضعیات چوب و مفرغ نیز بکار برده شد و برای اشتعال ماسوره هائی مملو از باروت که تا خرج تلاشی میرسید بکار بردند و بمنظور بطئی ساختن قدرت اشتعال یکقسمت ذغال به ۵ قسمت باروت اضافه نمودند و این طریقه اشتعال آتش (فتیله) مبداء نارنجکهای زمانی محسوب میشود. نارنجك دستی ضربتی نیز درهمان زمان تهیه گردید و «ژان ناسو» نامی در سال ۱٦۱۰ یك گلوله قابل تلاشی تهیه نمود که بخودی خود در سقوط

مشتعل میشد و اشتعال آن بوسیله یکچاشنی با مالش بشکل خیلی ابتدائی ودرلحظه سقوط یك سنك چخماق که به نارنجك ثابت شده بود با یکقطعه آهن مالش یافته و تولید یکجرقه می نمود .

ووبان (Vauban) اطمینان فوق‌العاده به‌اثرنارنجکهای دستی پیدا کرده ودر صدد تکمیل آنها بر آمد چنانچه فرانسویها در محاصره نامور (Namure) درسال ۱۶۹۲ بیستهزار نارنجك‌بکاربردند. درسال ۱۷۰۰ درفرانسه گروهانهاو گردانهای نارنجك انداز و در کشورهای دیگر حتی هنگهای‌نارنجك انداز تشکیل شد و درسال ۱۶۷۴ به سوار نظام فرانسه و در سال ۱۷۰۰ به سوار نظام اطریش نیز نارنجك دستی داده شد .

چون ورود بخدمت مواد محترقه شکننده که بقطعات گلوله سرعتهائی تا ۱۰۰۰ متر میدادند چند برابر سرعت حاصله از باروت سیاه سابق بود لذا باعث رونق نارنجکها شد و این ماده در جنك روس و ژاپون بسیار استعمال گردید و پس از تجربه های جنك‌منچوری تمام دول‌معظمه متوجه نارنجکهاشده وامتحانات بسیاری نمودند و در سال ۱۹۰۸ نارنجکهای دستی نمونه ۱۸۸۲ در گردانهای پیاده نظام قلاع و قسمتهای توپخانه پیاده ومهندسی فرانسه معمول شد ودرابتدای جنك در فرانسه نارنجکهای نمونه ۱۸۸۲ که برای جنك قلعهٔ پیش بینی شده بود استعمال گردید .

در ابتدای قرن ۱۷ درصدد انداختن بمب با وسائل‌مخصوصی بر آمدند و بعداً آنرا با تفنگهائی‌که بزمین تکیه داده میشد و یا خمپاره اندازهای کوچك قابل حمل و نقل پرتاب کردند (جنك روس و ژاپون)

اولین نارنجکهای تفنگی مستعمله عبارت از نارنجکهای دستی هستند که به آنها ساقه فولادی یا آلومینیوم بقطری کمتر از قطر داخلی لوله قرارداده و ساقه در لوله داخل و نارنجك در روی سطح مقدم آن واقع میشد. پرتاب نارنجك بوسیله یك فشنك بدون گلوله که باروت گاز لازمه برای خارج کردن آن حاصل میکرد

انجام میشد . این نارنجکها دارای ماسوره ضربتی هستند و چون عقب نشینی اوله خیلی زیاد بود درموقع پرتاب قنداق‌را بزمین تکیه میدادند. درمدت جنگ نارنجکهای تفنگی از این نوع در ارتش انگلیس و فرانسه و آلمان (نمونه های ۱٤ ـ ۱۹۱۳) مورد استعمال واقع شد. نارنجکهای ضربتی با ساقـه طویل چون بعلت زیادی مکان متصرفه امنیت غیرکافی وعیب لزوم استعمال یك فشنك مخصوص خیلی قابل ملاحظه واقع نشد لذا آنرا ترك نمودند و طریقه انداختن بوسیله قاشقك که امتحان آن در اواخر ۱۹۱۵ شروع شد جانشین آن گردید. نارنجکها را میتوان بطریق مختلفه طبقه بندی نمود وانواع آن بر طبق مواد داخلی عبارتند از محترقه مسموم کننده ، حریق افروز و دود انگیز .

برای رفع احتیاجات ابتدا در ۱٤ ـ ۱۹۱۵ مجبور شدند که مجدداً ادوات محترقهٔ که برای جنگ قلاع مطالعه شده بود گرفته و تکمیل کنند ،آثار آنها مادی و برای نارنجك انداز که از حفاظ نارنجکهارا میاندازد خطری نداشت و این نوع نارنجك مخصوص تدافع گردید. بمنظور تعرض در خارج سنگرها بعداً ادوات جدیدی اختراع نمودند زیرا نوع قبل برای پرتاب کنندگـان نیز قتاله بود واز آثارمادی صرفنظر وفقط بآثار روحی قناعت نمودند ـ نوع اخیر موسوم بنارنجك تعرضی گردید.

نارنجکهای مسموم کننده ، دود انگیزوحریق افروزازعهده کلیه عملیات‌تنظیف وخنثی کردن وتخریب میدان نبردبرآمدند. تشکیلات دستگاه اشتعال وطریقه‌انتقال آتش دومین وسیله طبقه‌بندی‌نارنجك است که در این مقاله از ذکرآن صرف نظرشد. نارنجك‌دستی‌تعرضی‌نمونه ۱۳۱۱ ارتش‌شاهنشاهی ایران‌وزنش درحدود ۱۷۱ گرم میباشدوچنانچه بمب مزبورمسلح شده‌باشد درموقع‌اصابت بمانع‌خرج بمب (تروتیل) با شدت زیادی منفجر گردیده و قطعات فلزی به ذرات خیلی کوچك (بیش ازسه هزار) متلاشی میشود . اثرات مادی نارنجك تعرضی بوسیله ذرات فلزی تا فاصله ۱۵ متر وبواسطه فشار گـازهای مولده تا فاصله ۳ متر باشد . ذرات فوق تا ۱۰

متری تولید جراحتهای سخت وخطرناك نموده ولی درفاصله بیشتر از ۱۵ مترخطر آنها کم است .

ادوات ترفیقی پیاده نظام

گرچه پیاده نظام برای اجرای تیر های قائم در مسافات کم با نارنجکهای دستی و تفنگی خود موفقیت حاصل نمود ولی برای اینکه بتواند از عهده انجام کلیه وظایف محوله بر آمده ، مخصوصاً برای آنکه بتواند تمام موانعی را که باعث تعویق پیشروی او میشوند و از آتش توپخانه مأمور پشتیبانی وی محفوظ مانده اند از میان بردارد ، بایستی دارای ادوات ترفیقی باشد و مرمیات آنها باید قابل انجام تخریبات مختصر ازقبیل سوراخ کردن زره های نازك ، تخریب مسلسلهای دشمن وغیره بوده و از عهده خنثی کردن بر آید. چون در عملیات تعرضی فرانسه در سال ۱۹۱۵ ضعف اسلحه پیاده نظام واضح شد لذا در سال بعد توپ ۳۷ میلیمتری نمونه ۱۹۱۶ مورد قبول واقع وگرچه این اسلحه دارای خواص بالیستیکی خوبی بود ولی تمام احتیاجات را کفایت نمیکرد زیرا بی قدرتی گلوله وکشیدگی زیاد خط سیر آن عمل وی را محدود نمود چنانچه در نبرد(Somme)درسال ۱۹۱۶ این مشهودات واضح گردید لذا درصدد برآمدند که این وظیفه را برعهده خمپاره انداز ۵۸ میلیمتری محول نمایند.

این سلاح خیلی سنگین و مهمات آنهم وزین هستند و حمل و نقل آنها عملا غیر ممکن بود لذا در صدد جستجوی اسلحهٔ جدیدی برآمدند که وظیفه منظور را انجام دهد و کمیسیون هـای مختلفه مأمور امتحان نمونه های معرفی شده توسط مخترعین گردیدند.

درنتیجه تجربیات اولیه ادوات Touhandeau Deslandres قبول شدو درقسمت ها داخل خدمت گردید و در نوامـبر ۱۹۱۷ ادوات انگلیسی Stockes تفوق خودرا ظاهر و بتنهائی وارد اسلحه واحدهای ترفیقی شد اما بعد فرانسه هاخمپاره انداز Brand را ایجاد کردند که خواص مرمیات آن نظیر مرمیات توپ ۷۵

و ۱۰۵ و برد آن تا ۳۰۰۰ متر است و بواسطه سادگی وسهولت و سرعت حمل آن فعلا بهترین خمپاره اندازها محسوب میشود .

خواص ادوات ترفیقی - چون در تعرض ادوات ترفیقی وظیفه مهم تخریب یا خنثی کردن یك آشیانه مسلسل یا کور کردن دیدگاههای مقدم را عهده دار میباشند لذا دخول در عمل این ادوات باید سریع بوده و به عمل توپخانه که مطول و توجیه صحیح آن مشکل است کمك کنند ودر صورتیکه موضع خصم فتح شود این اسلحه مأمور تشکیل سد قوی و فوری است وعمل نارنجك های تفنگی را تقویت نموده و ادامه میدهد تا توپخانه حاضر برای شرکت در عمل گردد .

در تدافع و استقرار ادوات ترفیقی در مواقع خطر ، این سلاح برای تشکیل سد آتش بکار میرود و در اوقات دیگر تیرهای ایذائی را انجام می دهد و میتوان در تهیه حمله بوسیله تخریب آرایش تدافعی سبك دشمن شرکت کنند ولی سلاح ممتاز تهیه دست برد محسوب می شود . درمدت جنگ ارتش فرانسه سه نمونه از ادوات ترفیقی را بکار برد :

آ - توپ ۳۷ میلیمتری نمونه ۱۹۱۶ که تیر اندازی آن فقط کشیده وجان لوله آن دارای ۱۲ خان مارپیچی بطرف چپ میباشد و مهمات این توپ اصولا باید شامل یك نمونه از دوطبقه ذیل باشد :

۱ - فشنگهای ۳۷ باگلوله فولادی که مواد داخلی آنها ازمحترقه نمونه ۱۹۱۶ است با ماسوره از نوع باتاخیر یا بی تاخیر .

۲ - فشنگهای ۳۷ باگلوله تمام شکن فولادی ۱۸۶۲ امروزه مهمات مستعمله توپ ۳۸ نمونه ۱۹۱۶ علاوه شامل است - درطبقه یکم گلوله فولادی با مواد داخلی محترقه نمونه ۱۹۱۶ با سیستم ضربتی ماسوره با تاخیر یا بی تاخیرنمونه ۱۸۹۹,۱۹۰۸ - درطبقه دوم گلوله رومی توپر فولادی نمونه ۱۹۱۶ .

سرعت عملی تیر اندازی ۳۷ میلیمتری نمونه ۱۹۱۶ ده تیر است ولی اگر دارای خدمه ورزیده باشد این سرعت ممکن است به ۱۲ الی ۱۵ تیر در هر دقیقه برسد .

ب ـ خمپاره انداز Stockes که لولهٔ آن از فولاد نیم سخت و بدون خان میباشد و صحت تیر اندازی این خمپاره کمتر از توپ ۳۷ میلیمتری است زیرا سرعت ابتدائی آن کم میباشد ولی با مرمی جدید.F.A بطور قابل ملاحظهٔ بر دقت آن افزوده میشود و مرمی‌های آن عبارتند از مرمی.B.N نمونه ۱۹۱۸ ومرمی چدن فولادی.F.A نمونه ۱۹۲۱ ومرمی جدید.F.A نمونه ۱۹۲٤ و وزن مرمیهای آن تقریباً ۳ کیلوگرم و خیلی قوی است ، سرعت تیراندازی این خمپاره انداز عملا ۵ الي ۲۰ تیر در دقیقه میباشدولی اگر مرمی هارا قبلا تهیه نموده باشند این سرعت ممکن است به ۲۸ الی ۳۰ تیر برسد

ج ـ خمپاره انداز ۷۵ میلیمتری ترفیقی نمونه ۱۹۱۷ -Touhandeau Deslandres که لولهٔ آن از فولاد ساخته شده و داراي دو خان مقارن می باشد .

خمپاره انداز .J.P دارای دقت خوبی بوده و سرعت معمولی تیر اندازی آن ۷ الی ۸ تیر در دقیقه است و اگر خرج ها را قبلا تهیه نمایند این سرعت ممکن است تا ۱۲ تیربرسد. بطورکلی ادوات ترفیقی پیاده نظام عبارت از توپ ۳۷ میلیمتری نمونه ۱۹۱۶ باتیر اندازی سریع که خواص آن عبارت ازدقت به منتها درجه سرعت زیاد تنظیم، امکان تیر اندازی از عقب موانع، سهولت تدارکات ازحیث مهمات دو خمپاره انداز ۸۱ میلیمتری که خواص آن عبارت از سرعت تیر اندازی زیاد و قدرت مرمی ها .

ارابه های جنگی

پیدایش ارابه های جنگی را میتوان از شروع جنك بین‌الملل دانست زیرا از ابتداء جنك دول فرانسه و انگلیس هر یك مشغول مطالعاتی برای تهیه سلاح آتشین متحرك زره‌پوش بودند. نتیجه این مطالعات درسال ۱۹۱۶ عملی و باعث ایجاد ارابه های جنگی گردید. در محاربات ۱۶ آوریل ۱۹۱۷ و ۲۳ اکتبر همان سال قدرت و لزوم ارابه های جنگی نتیجه کافی ثابت و باعث توسعه فوق‌العاده آنها شد

این ارابه ها بواسطه قدرت موتور و سنگینی زیاد قادر بتخریب موانع دفاعی خصم بوده وعلاوه برعبور خود ادامه حرکت پیاده نظام را نیز تسهیل مینمایند.

این ارابه‌ها مسلح به توپ یامسلسل بوده واز نقطه نظر وزن و قدرت عمل میتوان آنهارا بسه دسته تقسیم نمود :

۱ - ارابه های‌جنگی‌سبک - ارابه‌های‌جنگی‌سبک‌مسلح به‌توپ ۳۷ یامسلسل سنگین بوده و وزن آنها درحدود ٦ تن و سرعت حرکت آنها بین ۱ الی ۷ کیلومتر در زمین های مختلفه متغیر است .این نوع ارابه ها قادر به تخریب انواع سیم‌های خاردار و دیوار های سنگی یا آجری به ضخامت ۴۰ر۰ متر میباشند .

۲ - ارابه های‌جنگی متوسط - ارابه های جنگی متوسط مسلح به توپ ۷۵ و مسلسل سنگین بوده و وزن آنها در حدود ۲۵ تن و سرعت حرکت آن درساعت بین دو تا ۵ کیلومتر ،درزمین های مختلفه متغیر است و این ارابه ها قادر بمقاومت در مقابل قطعات گلوله های توپخانه و گلوله های ادوات ترفیقی پیاده نظام میباشند و میتوانند از گودالهای عمیق و انواع سیم‌های خار دار عبورنموده و دیوارهائی که بضخامت ۴۰ سانتیمتر از سنگ یا آجر ساخته شده خراب نموده وعبور نمایند.

۳ - ارابه های جنگی سنگین - این ارابه ها مسلح به توپ ۷۵ و ٤ مسلسل سنگین که یکی از آنها جهة تیر اندازی ضد هوائی اختصاص داده شده بود و وزن آنها درحدود ۷۰ تن و سرعت حرکتشان عملاً بین ۵ الی ۱۰ کیلو مترمتغیر است

ارابه های جنگی‌سنگین قادر به عبور از گودالهای عمیق و انواع سیم های خاردار بوده و همچنین میتوانند دیوار های ضخیمی‌را که از سنگ یا آجرساخته شده‌خراب‌نموده وعبورنمایند، درمقابل گلوله های‌توپ ۷۵ نیزبخوبی‌مقاومت مینمایند

ستوان یکم دفتری - افسر پیاده لشکر ۹ شرق

درس ۹۰
نظری
✿

فصل هفدهم

مانور و تیراندازی مسلسل

اطلاعات عمومی راجع بواحدهای مسلسل

I — تشکیلات دسته مسلسل در محاربه

دسته مسلسل در محاربه چگونه تقسیم میگردد.

بدو قسمت : قسمت تیر اندازی - قسمت تدارکاتی

قسمت تیر اندازی شامل :

یك فرمانده دسته

یك گروهبان دسته

یك مأمور مخابرات

یك مسافت یاب

دو فرمانده قبضه

دو تیر انداز

چهار فشنك گذار و كمك فشنك گذار

قسمت تدارکاتی شامل :

یك نفر اسلحه تعمیر کننده (ارشدنفرات ورانندهها)

یك راویه کش

چهار فشنك بیار و كمك فشنك بیار

شش راننده

بعلاوه شش قاطر

II - تدارکات مهمات دسته

محمولات بار اول هرقبضه چیست؟

درطرف چپ : لوله مسلسل - جعبه لوله یدکی .

درطرف راست : سه پایه - پایه‌ضد طیاره

در بالا : جعبه ابزار قبضه - جعبه آب

محمولات بارهای ۲و۳ هر قبضه چیست؟

درطرفین هر دو بار : ۱۲ جعبه فشنك

دربالای بار ۲ : یك جعبه آب - یك جعبه فشنك

دربالای بار ۳ : از متعلقات گروهان یادسته (جعبه نوار پرکن - جعبه الکل - جعبه روغن - جعبه ابزار دسته)

مجموعهٔ فشنگی که با هر دسته حمل میشود چقدر است ؟

- ۱۳ جعبه ۲۵۰ فشنگی یعنی ۳۲۵۰ فشنگ

تدارکات دسته علاوه براین از کجا تأمین میشود ؟

- ازبنه جنگی گروهان و گردان .

III ـــ وظیفه مسلسل درمحاربه چیست ؟

دفاع

وظیفه مسلسل دردفاع چیست ؟

- در دفاع مسلسلها عامل اصلی سد آتش پیاده نظام است (تیرتوقیفی)

برای تشکیل سد آتش پیوسته مسلسلها را چگونه قرار میدهند ؟

طوریکه تیرهای پهلوئی باتقاطع آتش ممکن باشد .

- طوریکه تیرهای تراشنده داشته باشند .

مسلسلهارا کجا قرار میدهند ؟

- یادرخطی که باید دفاع شود یادرمجاورت آن خط و درنقاطیکه برای اجرای تیرهای پهلوئی و تراشنده مساعد باشد .

- یادرخارج خط (لااقل درصد متری آن) دراشیانه های مجزی برای اینکه آنها رااز تیرهای توپخانه که روی خط دفاعی اجرا میشود محفوظ دارند

مسلسلهای دیگر چگونه میتوانند در دفاع شرکت نمایند ؟

- با تیرهای توقیفی و ایذائی در مسافات

تعرض

در تعرض مسلسلها بچه کارمیخورند ؟

- برای کمك و پشتیبانی ازپیشروی گروهان های پیاده .

- برای تامین تصرف قطعی زمین

از پیشروی عده هارا چگونه پشتیبانی میکنند ؟

- باتیر اندازی روی خط یانقاطیکه ازآنجا دشمن ممکن است نسبت به عده هائیکه پیشروی می کنند عملی داشته باشد .
(دید یا تیر)

برای این منظور در کجا قرارمیگیرند

درصورت امکان در پهلوها برای اینکه دشمن رازیر آتش مورب یا ترادفی قرار داده و ضمناً مزاحم پیشروی عده های خودی نشوند .

روی نقطه مرتفعی برای اینکه بتوانند از بالای سر قسمتهای خودی که در حرکت هستند تیراندازی نمایند .

مسلسلها چگونه حفظ زمین را تامین مینمایند

- بادرهم شکستن حملات متقابله دشمن

دور (برای متوقف ساختن یا مزاحمت دشمن)

که رده آتش را تهدید کرده یا عقب رانده است. برای این منظور مسلسلهارده ثانوی آتش راتشکیل داده (بعداً آتش) ومخصوصاً درپهلوها قرار داده میشوند

درس ۹۱
عملی
✿

مسلسل را چگونه درمحل قرار میدهند؟

۱ — چند حالت ممکن است بسه‌پایه داده شود؟

دوحالت: وضعیت نشسته و وضعیت درازکش

بعلاوه بین این دو حالت ممکن است بنا بر وضعیت زمین دوپایه یا یکی از آنها را بدرجات مختلفی قرار داد

۲ — سه پایه راچگونه دروضعیت مطلوب قرار میدهند؟

آ - وضعیت تیرانداز نشسته:

پایه بند را باز کرده پایه‌عقب را روی زمین قرار داده وبدون آنکه بمانع دنده دست بزنند بادو دست دوپایه جلورا گرفته بطرفین و بالا می کشند بعداً مانع کشوی پایه عقب را آزاد کرده لوله داخلی را بتناسب قد تیر انداز بیرون کشیده و زین را برمیگردانند.

ب - وضعیت تیر انداز درازکش:

پایه عقب را روی زمین قرار داده با دو دست دوپایه جلو را گرفته بافشردن مانع آنهارا بطرفین و بالا می‌کشند تا سر زبانه مانع از آخرین دندانه حلال بگذرد. بعد مانع را رها کرده سه پایه را روی زمین قرار میدهند.

ج - برای تغییر وضعیت سه پایه:

هر یك از پایه های‌جلو را با فشردن مانع آزادکرده دروضعیت مطلوب قرار می دهند.

در هر حالت پس از استقرار سه پایه خروسکهای دوپایه جلو را می‌پیچانند بعداً دنده دستگاه عمودی را آزاد کرده گهواره را افقی قرارمیدهند. صفحه سرسره باید برای قرار دادن مسلسل حاضر باشد.

۳ - مسلسل را چگونه روی سه پایه قرار میدهند؟

- آب انباررا روی دست راست تکیه داده بادست چپ قبضه را میگیرند.

- مسلسل‌راروی‌سه پایه‌طوری‌قرارمیدهند که‌بستهای‌قابلمهٔ‌داخل یکدیگرشوند. مسلسل را ازچپ براست روی صفحه سرسره چرخانده درمحل خود قرارمیدهند (باید دقت کرد که ترمز اتصال باز باشد)

۴ - برای جدا کردن مسلسل و جمع کردن سه پایه چه میکنند؟

- برای جدا کردن مسلسل مانع سرسره را با دست چپ رد کرده مسلسل را چرخانیده و بلند می کنند.

- برای جمع کردن سه پایه‌اعمال فوق بطور معکوس اجرا میگردد.

درس ۹۲
عملی



چگونه مسلسل را پر می کنند؟

۱ - تهیه نوار ها

نوار را قبلاً بازدید مینمایند - نوك فشنگها باید با سر بستهای بلند نوارمطابق و کلیه فشنگها در یکخط باشند.

فشنگها نباید فرو رفتگی داشته یا ضربت خورده باشند.

کلیه فشنگهای یك نوار باید از یك نمونه باشند (یك مخروطی یا دو مخروطی)

در موقع تیر اندازی هیچوقت نباید نواررا کاملاً از جعبه خارج نمود

۲ — پر کردن مسلسل

آتش پیاپی : پر کردن برای آتش پیاپی بدو نوبت دستگیره زدن که هر نوبت شامل سه شماره است اجرا میگردد.

نوبت اول

۱ ـ با شماره یك دستگیره آتشرا بمانع جلو میبرند.

۲ ـ زبانه یك نوار را ازطرف راست داخل نوار گیرنموده و با یك حرکت خشک و محکم در امتداد نوارگیر بچپ می کشند.

(کج کشیدن نوار سبب کج قرار گرفتن فشنگ و مانع آتش است)

۳ ـ با شماره ۳ دستگیره آتش را رها مینمایند بخودی خود به عقب بر میگردد (بر گردانیدن دستگیره با دست سبب گیر میشود)

نوبت دوم

اعمال فوق را دوباره در سه شماره تکرار می نمایند. مسلسل حاضر برای آتش است.

آتش تك به تك : پر کردن برای آتش تك به‌تك مانند پر کردن برای آتش پیاپی بدو نوبت دستگیره زدن انجام میگردد ولی در نوبت دوم شماره ۲ (کشیدن نوار حذف میشود)

تبدیل آتش : برای تبدیل آتش مسلسل به تك به تك کافیست بدون کشیدن نوار یکمرتبه دستگیره بزنند.

برای تبدیل آتش تك تك به آتش پیاپی باید یکدستگیره زده و نوار کشید.

۳ ـ خارج کردن نوار

شستی رها کننده (مانع نوار) را به طرف چپ فشرده نوار را خارج می نمایند.

باید دقت کرد دنباله نوار که بزمین افتاده و ممکن است خاك آلود باشد قبل از گذاردن در نوار گیر پاك شود.

درس ۹۳
عملی


با مسلسل سنگین چگونه تیر اندازی مینمایند ؟

۱ — تنظیم درجه فنر

درجه فنر برای خوبی کار مسلسل وسرعت مکفی تیر اندازی در محل مناسب قرار داده میشود (معمولاً بین ۲۵ و ۳۰)

۲ — قرار دادن درجه

روی صفحه درجه مسافات از ۴۰۰ الی ۳۰۰۰ متر با اعداد ٤ الی ۳۰ تعیین شده و همین طور ذکر شده و فرمان داده میشود . ستون درجه را بلندکرده کشو را روی درجه مطلوبه قرار داده دقت مینمایند که زبانه کشو در دنده هائی که در طرفین ستون درجه تعبیه شده جا افتاده درجه ثابت نگاهداشته شود .

۳ — نشانه روی با مسلسل

۱ - ترمزهای عمودی و افقی را باز میکنند .

۲ - ابتدا در سمت با ضربات خفیف روی دستگیره چپ و راست و بعداً در ارتفاع بوسیله چرخانیدن گردونه نشانه روی میشود .

۳ - برای تغییر میل لوله در زوایای بزرگ ممکن است دنده دستگاه عمودی را آزاد کرد .

برای آزاد کردن دنده بادست راست گردونه را گرفته باشست همین دست کلید را بعقب کشیده و غلاف را بالا میدهند (در این موقع عقبه را بادست چپ نگاه میدارند تا نیفتد)

برای گذاردن بدنده با دست چپ مسلسل را بوضعیت مطلوب نگاهداشته و با دست راست گردونه را گرفته وباشست کلید را بعقب میکشند .

تبصره ۱ - هرگاه غلاف کاملاً به پائین نرفت گردونه را کمی میگردانند .

تبصره ۲ - آزاد کردن دنده وکار کردن با دستگاه در موقعیکه مانع عمودی

بسته باشد قدغن است .

تبصره ۳ - ممکن است بحالت آزاد (ترمزها باز) یا بحالت ثابت (ترمزها بسته) با مسلسل تیراندازی نمود .

۴ ــ تیر اندازی

دستگیره عقب را ، بدون فشار ، ثابت نگاهداشته و با شست روی پاشنه فشار می دهند .

تیر اندازی ثابت یا آزاد بـدون درو - خط نشانه را روی هدف نگاه میدارند اگر لازم باشد نشانه روی را تصحیح می کنند (برای این کار چنانچه ترمز بسته باشد باید باز نمود)

آتش درو - نقاط مهم هدف را از چپ براست بدون قطع تیر و یا مکث روی این نقاط زیر آتش قرار میدهند . مجدداً از چپ هدف شروع بآتش مینمایند .

درس ۹۴
عملی



وظایف خدمه قبضه درپیاده کردن و موضع گرفتن

۱ ــ پیاده کردن و حمل مسلسل بانفرات

بفرمان: پیاده کنید!

همگی : تفنك را حمایل فنك میکنند .

فرمانده قبضه : دو جعبه فشنك ازطرف چپ بارسوم برمیدارد

تیر انداز : مسلسل را پیاده کرده حمل مینماید .

فشنگ گذار : سه پایه را حمل میکنند . اگر لازم باشد پایه تیراندازی ضد طیاره را نیز پیاده کرده حمل مینماید .

کمك فشنگ گذار : جعبه آب و ابزار را از بالای بار اول برداشته حمل می نماید .

فشنگ بیار و کمك فشنگ بیار : هریك دو جعبه فشنك از طرف خود باز کرده برمیدارند .

همگی : دنبال فرمانده قبضه در صورت بندی که تعیین می کنند حرکت کرده یا می ایستند .

۲ ـــ اقدام مقدماتی

بفرمان : حاضر بجنگ!

همگی : محمولات خودرا بازدید مینمایند .

تیر انداز : داخل جعبه ولوله را بازدید کرده وعنداللزوم گلنگدن و پارچه الحاقرا روغن مالي میکند .

برای اطمینان از حسن عمل مسلسل دومرتبه دستگیره زده می چکاند .

درجه فنر را بازدید کرده مراقبت می نماید که آب انبار آب داشته باشد

فرمانده قبضه : مواظب صحت اجرای کارهای خدمه مسلسل میباشد

۳ - موضع گرفتن و محل خدمه !

فرماندهٔ قبضه : درمحل مناسب قرار گرفته فرمان میدهد: **حاضر به تیر**

بردن دست راست بطور افقی ببالای سر علامت احضار خدمه است .

پس از آنکه فشنك گذار سه پایه را در جلو پای او قرار داد دو جعبه درسمت راست سه پایه گذاشته بطرف چپ میرود . مراقبت مینماید که سه پایه در سمت مطلوب قرار داده شده وگهواره افقی باشد .

فشنگ گذار : سه پایه را در امتداد پنجه پای فرمانده قبضه (در حالت نشسته) ویا درامتداد دست او (درحالت درازکش) قرار میدهد . درحال نشسته پایه عقب را به تناسب قد تیرانداز بعقب کشیده زین را بجلو برمیگرداند . گهواره را افقی نموده پایه ها را بزمین فرو نشانده بطرف راست میرود .

تیرانداز: مسلسل را روی سه پایه قرار میدهد .

حاضر به تیر ممکن است نفر بنفر یا احضار همه خدمه باهم صورت گیرد (پس ازعلامت حاضر به تیرعلامت بدو علاوه میشود .)

محل خدمه

حالت نشسته

فرمانده قبضه: در سمت چپ وعقب قبضه.

تیرانداز: روی زمین نشسته پاها را دراز کرده آرنج را روی ران تکیه داده دستگیره عقب را میگیرد.

فشنگ گذار: بزانو روبجلو درسمت راست مسلسل در جلو خود جعبه را باز نموده نوار را حاضر برای پر کردن مینماید.

کمك فشنگ گذار: درعقب درمحل مناسبی قرار میگیرد بطوریکه بتواند ارتباط بین قبضه ومحل فشنگ بیار ها را برقرار کند. همیشه متوجه فرمانده قبضه است که بعلامت او برای رفع گیرها ورسانیدن آب یا فشنگ حاضر باشد.

فشنگ بیارها: درعقب درمحلی قرار میگیرند که محفوظ یامستور بوده وبا **کمك فشنگ گذار** ارتباط داشته باشد.

حالت دراز کش

فرمانده قبضه وخدمه درمحلهای خود بحال دراز کش قرار میگیرند.

تیرانداز: برای استحکام میل بدن‌را روی پایه عقب می اندازد و درطرف چپ آن قرار میگیرد.

تبصره - چنانچه بخواهند سه‌پایه‌را قبل از آوردن بموضع بوضعیت مطلوب قرار دهند برای حالت نشسته فرمانده‌قبضه بحال بزانو در آمده و برای دراز کش دراز کش مینماید. برای حالت بتوسط بعداً اصلاحات لازمه در وضعیت سه‌پایه داده می شود.

۴ ــ تغییر موضع

۱ ــ برای مسافات زیاد:

بفرمان: جدا کنید!

خدمه مسلسل را از سه پایه جدا کرده هر یك محمولات خود را برداشته در محل جدید موضع میگیرند (مطابق دستورات فوق)

۲ ــ برای چند قدم تغییر محل:

به سه پایه

تیرانداز بادست راست پایه‌عقب وبادست چپ پایه جلو را میگیرد. فشنگ گذار با دست چپ پایه‌عقب وبادست راست پایه جلو را میگیرد.

پیش

مسلسل رااز زمین بلند کرده دنبال فرمانده قبضه میرود.

حاضر به تیر

مسلسل را در محل و سمتی که تعیین میشود بزمین میگذارد و هر یك ازخدمه در محل خود قرار میگیرند.

بقیه

و ـ ت . ا . ج

اطلاعات

در جنك هر فرماندهی که از دشمن اطلاع کافی نداشته باشد نمیتواند تصمیم درست بگیرد و بدان ماند که شخصی بخواهد در تاریکی کامل در جای ناشناسی پانهد و راه رود. سرداران بزرك و کشور گشایان پیشین همیشه از زمان صلح در صدد بر می آمدند که از وضعیت دشمنان احتمالی خود آگاه گردند و در جنك باچشم بسته قدم بمیدان نگذارند. حتی چنگیز مغول هم سالها پیش ازلشگر کشی خود به آسیای غربی و اروپا بوسیله بازرگانان چینی از وضعیت کشورها آگاه گشته بود.

در جنگهای امروزه تهیه اطلاعات نه تنها اهمیت خود را از دست نداده بلکه با تشکیلات پهناوری کار می کنند.

هنگام صلح کشور ها بوسیله مامورین خود وبر رسی روزنامه‌ها ودرنظر داشتن منابع دیگر، اطلاعات لازم و بایسته را از وضعیت سیاسی و اقتصادی و نظامی دیگران بدست می آورند. با در دست داشتن اطلاعاتی در بارهٔ توانائی اقتصادی کشور دیگر و توجه بصنایع نظامی و کشوری وجمعیت آن می توان فهمید که ارزش واستعداد نظامی کشور منظور چه میباشد.

اما هنگام جنك اطلاعات دیگری لازم میباشد که هنگام صلح نمی توان بدست آورد و آن اطلاعات از جبههٔ جنك است.

منابع تهیه این اطلاعات فرق می کنند و باید بهر یك از آن منابع اهمیت کافی داد.

منابع نامبرده بدینقرار است:

اکتشاف بوسیله هوا پیمائی وسوار نظام و صنفهای دیگر- بر رسی روزنامه‌ها و کاغذ های پستی و تلگرافها - گرفتن مخابرات تلفنی دشمن - بر رسی کاغذ ها و

یاد داشتهائی که در جیب کشتگان و دستگیر شدگـان و در جائی که دشمن ترك کرده پیدا میشود ـ مراقبت در گـفتگوهای مردم محلهائی که دشمن از آنجا رفته ـ بازجوئی از دستگـیر شدگـان ـ گرفتن کبوتران نامه بر وسگهای پیك دشمن و بررسی کـاغذ هائیکه همراه آنهاست و جاسوسها . ـ

چیزهائی که بی اهمیت بنظر میرسد ممکن است در مجموعهٔ اطلاعاتی کـه بدست آمده اهمیت بسزائی پیدا کنند .

باید دانست اطلاعاتی کـه از دشمن میرسد مبنای تصمیم عملیّات فرماندهی خواهد بود و گرانبهاترین اطلاعات هنگامی که دیر بمقصد برسد ارزش خود را از دست خواهد داد . از اینرو اهمیت تأمـین وسیلهٔ زود رساندن گزارشها بخوبـی محسوس می گردد و باید برای زودتر رساندن اطـلاعات از تمام وسائلیکه در دسترس دارند استفاده نمایند .

نظامنامه فرماندهی و محاربه آلمان کـه پس از جنك جهـانگیر و با توجه به تجربیات آن نوشته شده برای بهنگام رساندن اطلاعات و دستورهـا اهمیت ویژه ای قائل گردیده و با بررسی به بند زیرین نظامنامه می توان پی برد که تاچه اندازه باین کار میدهند :

بند ۴۹ ـ « دستورها و گزارشها و اطلاعات مهم را باید بوسیله افسری که با وضعیّت آشنا باشد فرستاد و غالباً برای روانه کردن آنها باید از اتومبیل و هوا پیما استفاده نمود » . ـ این قسمت در بند ۶۵ دستور موقتی خدمـات صحرائی نیز پیش بینی گردیده است .

از این بند دیده می شود که آلمانها می گویند دستورها و گزارشها و اطلاعات مهم باید بوسیله افسر فرستاده شود آنهم بوسیله افسری که از وضعیّت آگـاه و با آن آشنا باشد برای آنکه اگر برگیرندهٔ دستور یا گزارش چیزی مبهم یا مشکوك باشد افسر آورندهٔ آن بتواند توضیحات بایسته بدهد و برای زود رساندن دستور و گـزارش

دستور میدهد از هوا پیما استفاده کنند و حتی در بند ۵۱ نظامنامه نامبرده دستور داده شده که گزارشها و دستورهارا در چند نسخه تهیّه نموده از چند راه باوسایل مختلف بفرستند و ضمناً میگوید « استفاده از زره پوشها برای این منظور بجا است » . - بند ۹۵ دستور موقتی راجع به تشکیلات و جریان عمل ارتباط و مخابرات ارتش شاهنشاهی نیز اجازهٔ استعمال و بکار بردن این وسایل را از نظر ارتباط داده است .

در بند ۹۲ نظامنامه نامبرده اهمیت تند رساندن گزارشها و دستورها را گوشزد کرده مینویسد : « فرستنده باید خط سیر برنده را بدقت معین نموده بنویسد . نام محلهارا آنطور که گفته و نوشته میشود باید نوشت . فرمانبران در بر خورد به فرمانده دیگری نایستاده همین اندازه گزارش میدهند که فرمانبر بوده و گزارشی همراه دارند که باید بفلان مقصد برسانند . عده هائی که در راه هستند باید بکنار رفته بفرمانبر راه دهند تا معطل نشود . هرافسری موظف است راه را بفرمانبر نشان دهد . فرماندهان هنگها وبالاتر و هم چنین فرماندهان عده های اکتشافی و پاسدار حق دارند گزارشی را که از پهلوی آنها میگذرد بخوانند و باید ورقه مخصوص را امضا کنند تا معلوم شود که اطلاعیّه را خوانده اند » . (۱)

اینك به بینیم نظامنامه فرماندهی ومحاربه آلمانی درباره منابع بدست آورنده اطلاعات و روش کار آنها چه میگوید . برای بدست آوردن اطلاعات از دشمن باید با آن تماس داشت و بهترین اطلاعات آنستکه در اثر زدوخورد بدست آمده باشد از اینرو بند ۱۹ نظامنامه میگوید : « هرفرماندهی باید درمنطقه عملیات خودروز و شب بطور منظم و مرتبی وضعیّت دشمن را اکتشاف کند . تماسی که یکبار بادشمن گرفته شده بهیچوجه نباید بریده شود . اطلاعاتی که میرسد باید بید رنگ بفرمانده بالاتر گزارش و بقسمتهای همسایه اطلاع داده شود . »

(۱) قسمت اخیر بند ۶۴ دستور موقتی خدمات صحرائی نیز این موضوع را پیش بینی کرده منتها درنظامنامهٔ آلمانی تصریح بیشتری دیده میشود .

بند ۲۷ « هنگام محاربه باید دائماً وضعیت را گزارش نمود وبرای اینکار بویژه میتوان از فاصله هائیکه درمیدان محاربه پیدا میشود و ازتاریکی شب استفاده کرد - در پایان نبرد هم باید گزارش نهائی نبرد را با ذکر وضعیت قوای خودی و دشمن فرستاد.

بند ۱۶۷ - درباره صنفهائیکه باید دربدست آوردن اطلاعات بکوشند چنین میگوید: « صنفهای دیگر نیز باید همدوش هوا پیمائی و سوار در اکتشافها شرکت جدی کنند. هر اندازه هوا پیمائی وسوار نظام کمتر باشد ضرورت عملیات اکتشافی صنفهای دیگر بیشتر میشود - در اینمورد قسمتهای پیاده نظامی که **دو چرخه دارند** بواسطه تحرك وسرعت حركت خود میتوانند نه تنها عملیات سواررا تکمیل کنند بلکه جانشین آنهم بشوند ».

در این نظامنامه دستور داده شده که بعده های مامور تأمین نزدیك نباید ماموریت اکتشافی واگذار کرد مگر درموارد استثنائی.

بند ۱۶۰ - « تنها درموارد استثنائی می توان مأموریت تأمین و اکتشاف را بیك عده واگذار کرد زیرا عناصر اکتشافی باید متحرك بوده خودرا بدشمن برسانند در صورتیکه عناصر مأمور تأمین باید با قسمت های خود ارتباط معینی داشته باشند بدین ترتیب باید طلیعه های اکتشافی را جداً از طلیعه های تأمین نزدیك مشخص کرد ».

بدیهی است منظور بند بالا این نیست که عده های مأمور تامین نزدیك نباید اکتشاف کنند زیرا انجام ماموریت تأمین مستلزم اکتشاف می باشد منتها درحدود محور راه پیمائی خود اکتشاف کرده وچون باید باعده اصلی خود ارتباط داشته باشند نمیتوانند خیلی دور بروند درصورتیکه عده های مأمور اکتشاف باعده دیگری ارتباط نداشته وآزادانه میتوانند مأموریت خودرا انجام دهند.

بند ۱۶۶ نظامنامه آلمانی در باره گشتیها چنین مینویسد: « هر گشتی جنگی موظف است مشهودات خودرا از نزدیکترین راه بهر قسمتی که نزدیك اوست اطلاع

دهد » بدین ترتیب موضوع بستگی بواحدی که کشتی را مأمور نموده از میان میرود. این دستور کاملاً بجاست زیرا ممکنست قسمت نزدیك کشتی عده ای نباشد که او را روانه نموده و اگر کشتی او را آگاه نسازد بی خبر می ماند یا دیر آگاه خواهد شد.

نظامنامه آلمانی بطوریکه در ارتشهای دیگر معمول است هوا پیمائی وسوار را عنصر اصلی اکتشاف میشناسد و میگوید که این دو عملیات یکدیگر را تکمیل میکنند منتها در قسمت آخر بند ۱۱۷ تذکر میدهد: « غالباً اطلاعی که بوسیله هواپیمائی رسیده موجب میشود که فرماندهی بتواند سمتی را که باید اکتشاف سوار در آن سمت اجرا گردد از روی آن معین نماید» و بدین ترتیب فهمیده میشود که اکتشاف هوائی را مقدم بر اکتشاف زمینی می دانند و تعیین سمت روانه کردن اکتشافهای سوار را از گزارش هواپیمائی خواستارند.

از نظر تنظیم گزارشها چنین پیش بینی گردیده که گزارش دهنده باید **هرچیزی را که خود دیده** و آنچه را که دیگران دیده یا گفته اند و آنچه را که گمان میکنند جدا جدا بنویسد و منبع اطلاعات باید ذکر شود و فرضیات باید متکی و مستند باشد (بند ۲۳). قسمتی از بند ۶۰ دستور موقتی خدمات صحرائی نیز در اینمورد چنین میگوید « ... کسی که اخبار و گزارش را تهیه میکند بین آنچه که شخصاً مشاهده نموده وآنچه را که برطبق اطلاعات دیگران بدست آورده باید فرق گذارد و در صورت اخیر اطلاعات مزبوررا متذکر شود »

سپس دربند ۲۴ مینویسد: « ارقام و زمان و محل باید دقیقاً تعیین گردند برای فرماندهی بی اندازه مهم است بداند که دشمن در کجا دیده نشده و همچنین تأیید اطلاعات پیشین یاتأیید موضوع که درفلان مدت وضعیت تغییری نکرده برای او بی اندازه گرانبهاست.

نکات راجع بوضعیت محل نیز همه باید در گزارش نوشته شود. این موضوع

همچنین نباید در اطلاعاتی که میان پیاده و توپخانه مبادله میشود فراموش گردد
سپس برای آنکه گذارش دهندگان گمان نکنند که بدون توجه براست و دروغ مطلب و اهمیت آن بر هرچیزی که اطلاع یافتند باید گزارش دهند بند ۲۵ نظامنامه چنین میگوید:

« تعداد گزارش اهمیت ندارد بلکه مطلب آن باید وضعیت را برای گرفتن تصمیم پیش فرماندهی روشن سازد ازاینرو در هرمورد باید نخست بسنجند که آیا چیزیکه در طرف دشمن دیده شده لازمست بیدرنگ باطلاع فرماندهی برسد و یا اصلا لازمست گزارش شود یا نه. گزارشهای غیر لازم کار فرماندهی را دشوار و ارتباط را کند نموده رساندن گزارشهای دیگر را بتاخیر میاندازد »

سپس همین بند معین کرده که چه چیزهائیرا (که ممکنست برخی گزارش آنها را غیر لازم بدانند) حتماً باید گزارش داد:

« نخستین برخورد بدشمن را همیشه باید گزارش داد. گذارشهائیکه در اطراف نکات اکتشافی و پیشرفتهای خود یا دشمن بطور اغراق و مبالغه نوشته شده باشد همیشه مضر و غالباً خطرناك است. گذارشی که بطور روشن و بی مبالغه نوشته شده باشد فهم تاکتیکی نویسنده آنرا میرساند »

این قسمت بند ۲۵ از همه میخواهد که حقیقت را برهمه و بیشاخ و برگ آنگونه که هست گزارش دهند و « تکمیل یا تأیید گزارشهارا بواسطه دیدبانی از جاهای بلند و عکاسی همیشه خیلی گرانبها » میداند

همین نظامنامه در فرستادن گزارش ها و اطلاعات رعایت سلسله مراتب را بایسته ولازم میداند و ضمن تأیید این موضوع دربند ۲۸ میگوید: « در موارد استثنائی علاوه به نزدیکترین فرماندهان باید مستقیماً بفرماندهی بالاتر نیز گزارش داد و عده هائی را که در تهدید دشمن واقع می شوند بلاواسطه و همان آن آگاه کرد. قطعه های جنگی را که اطلاعیه برایشان فرستاده شده باید در گزارش نام برد).

چون هر کسی میخواهد چیزیرا که میل دارد در گزارش بیابد و این روش ممکنست چیزهای مهمتریرا ازنظر دور بدارد، قسمت اخیر بند ۲۸ این نکته رامتذکر شده میگوید: « همه گزارشهائیرا که رسیده باید درست مورد استفاده قرارداد زیرا حس تمایل به در آوردن آن چیزیکه میخواسته اند بآسانی پیدا میشود » سپس برای تعیین ارزش گزارشها بطورکلی میگوید « گزارشهائی که یکسره از میدان نبرد رسیده غالباً مبالغه آمیز است » و بدین ترتیب میخواهد بگوید در گزارشهائی که تحت تاثیر پیشامد ها نوشته شده و اضطرابهای درونی ممکنست در آنها دخالت داشته باشد باید دقت و تأمل بیشتری کرد.-

با بررسی شرح بالا بخوبی دیده می شود که بدست آوردن اطلاعات و روش وتنظیم وزود فرستادن آن ها تا چه اندازه اهمیت دارد و در نگارش آن ها باید تا چه اندازه دقت کرد.-

سرگرد شرف‌الدین قهرمانی

قدرت آتش پیاده نظام

بسته بتربیت کادرهای زیر دست است

یکی از نتایج مسلم تجربیات جنگ ۱۸-۱۹۱٤ افزایش قدرت آتش پیاده نظام بود که دراثر توسعه وترقی اسلحه مسلسل حاصل گردید. بعداً در نتیجه پیشرفت و تکامل این اسلحه از موقعی که توانائی مسلسل سبك در مسافات متوسط تقریباً بپایه مسلسل سنگین رسید نیروی آتش پیاده نظام بمراتب زیادتر ازسابق شد. امابا هر قدرتی که نظراً برای مسلسلهای سبك و سنگین قائل باشیم باید بدانیم ملیونها گلوله که بوسیله آنها ریخته میشود وقتی تأثیرخواهد داشت که این گلوله هادرست و بموقع مطلوب وبا تراکمی که متناسب باهدف باشد اصابت بنمایند و بالاخره ذخیره فشنگ ما باندازهٔ کافی باشد.

پس عملاً حاصل کاروتوانائی اسلحه جدید پیاده نظام منوط به تعلیم وتربیت وورزیدگی کادرهای پیاده در استعمال آتش و درعین حال بسته به تدارك مهمات کافی است که بهرحال باید از اسراف آن خود داری نمود.

منظور اصلی ما در این شرح مختصر اینست که به بینیم چگونه میتوان از اسلحه جدید پیاده نظام درحدود توانائی آنها منتهای استفاده را نمود ودرعین حال برای استعمال صحیح آتش پیاده چه اصلاحاتی را میتوان در تعلیم وتربیت کادر های زیر دست انجام داد، گرچه بعضی ازملاحظات ما به مسلسل سنگین هم تعلق میگیرد ولی در اینجا ما اساساً راجع بواحدهای کوچك پیاده که دارای مسلسل سبك هستند سخن میرانیم و ازتربیت انفرادی تیر اندازکه یك موضوع کاملامکانیکی است صرف نظرنموده قدری بالاترمیرویم وفرماندهان گروه و دسته راکه در میدان نبرد مسئول کار آتش هستند مورد بحث قرار میدهیم.

برای بکار بردن آتش نظامنامه پیاده وظیفه کادر ها را بدینقرار تقسیم بندی مینماید :

فرمانده دسته : مسئول اداره کردن آتش است

فرمانده گروه : مسئول هدایت آتش است

فرمانده قبضه : فرماندهی آتش را عهده دار میباشد .

تشخیص این سه قسمت از یکدیگر خیلی دقیق ومشکل است ودرواقع یکنوع تقسیم بندی کارها و مسئولیت ها است و بطوریکه خواهیم دید در روی کاغذ بهتر تنظیم میگردد تا در روی زمین .

درنظامنامه پیاده اداره کردن آتش را بشرح ذیل تعریف میکنند :

آ) تعیین قسمتی از هدف که باید زده شود و تعیین درجه اولیه برای فرماندهان گروه

ب) مصرف تقریبی مهمات

ج) امر بباز کردن آتش و احیاناً قطع آتش .

اینك فرض میکنیم درمحاربه تعرضی فرمانده دسته در محل مقرره خویش یا در مرکز آرایش جنگی دسته و ۵۰ متری هریك از گروههای خود قرار گرفته باشخصاً بایکی از گروهها بوده و گروه دیگر لااقل بمسافت ۶۰ یا ۸۰ متری او باشد .

فرمانده دسته جزدرگروهی که با آن حرکت می کند (بفرض دوم) نمی تواند راجع بآتش دستوراتی بسایر زیردستان خود بدهد، مگردرحین توقف های مختصری که درموضعهای محفوظ انجام میشود . پس در نظامنامه اینطور فرض شده است که هدفها را قبل از اجرای حرکت ازموضعی بموضع دیگر بخوبی شناخته و نشان کرده باشند . البته این رویه هم همیشه مقدور نخواهد بود . زیرا مخصوصاً دراثر حرکت بجلو است که دشمن محل خود را بروز خواهد داد و هدفهائی که قادر برمزاحمت حرکت دسته یادسته های مجاور باشند بطور ناگهان و درسمت هائیکه

انتظار نمیرفت تدریجاً کشف خواهند شد وشاید درخارج ازسمت حرکت دسته .

پس مداخله فرمانده دسته درواقع بشکل یك مأموریت و مراقبت یك منطقه انجام و ابتکار زیادی بفرمانده گروه داده خواهد شد، منتها فرمانده درمراحل توقف سریعاً عملیات اورا باز رسی نموده و هنگام حرکت بطور کلی افق خطرناك خود را تحت مراقبت قرارخواهد داد . البته هرقدر جلوتر بروند هدفها بیشتر مشخص میشود . فرمانده دسته میتواند دستورات صریحی راجع به بعضی هدفها و مأموریتها بدهد . اما باید اعتراف کرد که در مقابل دشمن فعال همیشه فرمانده گروه محتاج بداشتن ابتکار خواهد بود، برای اینکه بتواند بعضی حوادث ناگهانی وپیش آمدهای آنی محاربه با آتش را شخصاً چاره جوئی بنماید. بالنتیجه معلوم میشود که تعیین درجه اولیه جز در موارد خیلی محدود عملی نخواهد بود .

اماراجع به تعیین مصرف فشنگ، فرماندهٔ دسته نمی تواند دستور قطعی بدهد زیرا محدود کردن مصرف فشنگ برای اجرای یك مأموریت مهم و در جلو دشمنی که نمی توان عملیات متقابله اورا پیش بینی نمود معایب بزرگی دارد . در محاربات جدید برای اینکه مأموریتهای آتش بطور مؤثر انجام شود قبل ازهرچیز بایدتدارکات مهمات بحدکافی باشد . البته ضمناً باید از اسراف مهمات جلوگیری نمود و این خطر ناشی از طرز تشکیلات محاربه است که عملاً غالب فرماندهان گروه را بطور مجزی قرار میدهد . بهر حال برای جلوگیری ازاسراف مهمات، معین کردن تعداد فشنگ بطور دل بخواه ثمری ندارد بلکه باید از راه تعلیمات و ورزیدگی کامل کادر ها در استعمال آتش، بعلاج اینکار پرداخت . دراینجاهم باتشکیلات امروزه سنجش مصرف فشنگ بیشتر بعهده فرمانده گروه است تا فرمانده دسته .

اما راجع باسر بازکردن وقطع کردن آتش بطورکلی میتوان قائل شد که فرمانده دسته این اجازه را وقتی خواهد داد که تشخیص بدهد دیگربدون تیر اندازی پیشروی نامقدو رباشد . ولی از این به بعد فرمانده گروه است که بنا برنوع مأموریت و موانعی که سر راه او پیدا میشود آتش را باز و یاقطع بکنند .

درنتیجه مطالعات اجمالی که تااینجا نمودیم بخوبی معلوم شد که وظیفه فرمانده گروه بس مهم است .

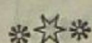
این فرمانده گروه بایستی بنابر مأموریت هدفهای خودرا کشف وباتمام سرعتی که ممکن باشد آتش مؤثری برروی آنها اجرا نماید بدون اینکه آتش رابیهوده ادامه بدهد و بنابر مقتضیات وضعیت تیرهای مسلسل سبك خودرا گاهی برای بدست آوردن تفوق آتش ، گاهی برای خنثی نمودن اسلحه مسلسل دشمن ، گاهی برای زدن هدف فرّاری که در حرکت است یا برای مانع شدن عبور عده دشمن از یك خط الرأس بکار ببرد . این مسائل متعدد بصورت های مختلف برای او پیش خواهد آمد ولی همیشه محتاج باقدام فوری است و هر خطا یاتأخیری که در این اقدام بشود گران تمام خواهد شد .

بنابر این ورزیدگی کامل فرماندهان دسته و فرماندهان گروه دراستعمال آتش اسلحه مسلسل خودشان قسمت اساسی تعلیمات آنهارا باید تشکیل بدهد وازاین حیث فرماندهان گروه با فرماندهان دسته تقریباً دریك پایه خواهند بود .

چه مطابق صورت بندیهای محاربهٔ امروزه فرمانده گروه غالباً مجبور میشود باابتکار شخصی خود عمل بنماید و وظیفه کلی فرمانده دسته هم از این حیث کاسته نخواهد شد ، زیرا بایستی همیشه آتش مسلسلهای سبك خود را باهم ترکیب نموده ، هماره این آتش را تحت مراقبت قرار بدهد .

حال باید دیدگروهبانانیکه خدمت وظیفه خود را بپایان میرسانند وداخل احتیاط میشوند آیا واقعاً قابلیت و استعداد آن را دارند که درجنگ مهمات خودرا باحسن وجوه بکار ببرند .

اگر بخواهیم باین سئوال جواب مثبت بدهیم وجداناً مشکل است ، زیرا بخوبی میدانیم که اکثر آنها این قابلیّت را ندارند. پس باید در اسلوب تعلیمات ووسائل آن بعضی اصلاحات اساسی بشود .



اساس هر تعلیماتی در قسمت استعمال آتش البته مبنی بر شناسائی کامل خط سیر گلوله در تمام مسافات، داشتن اطلاعات کافی از تشتت و تراشندگی تیر است گرچه تمام این مطالب در نظامنامه ها ذکر شده است ولی آموختن مطالب نظامنامه بتنهائی کافی مقصود نمی شود و باید در این قسمت تعلیمات بیشتر تعمق نمود و درجه داران را وادار کرد که مسائل ساده تیراندازی را درشیب‌های مختلف حل نمایند تا از روی کار فکری ملتفت بشوند که بهر اندازه مسافت زیاد تر بشود اشتباهات درجه چقدر در نتیجه تیر اندازی مؤثر است. لزوم تخمین اشتباهات احتمالی و وسائلی که میتوان هدف رازد، هرقدر هم معلومات عمومی گروهبانان ناقص باشد باز ممکن است بازبان ساده این مطالب را بآنها فهماند، ولی مشروط بر اینکه آنها را درعبارات و اصطلاحات علمی و پیچیده غرق نکنند.

در اینجا ذکر این نکته را لازم میدانیم که افسران جوان غالباً برای دادن این درسها صلاحیت ندارند، زیرا معلومات علمی آنها خیلی بالاتر است و هنوز قادر بر این نیستند که این معلومات خود را در دسترس نفرات کم فهم قرار بدهند. درسهائیکه راجع بآتش داده میشود مخصوصاً محتاج بمعلمین خیلی ماهر، مجرب و کار آزموده است.

با دادن این اطلاعات بنفرات اهمیت درجه صحیح معلوم خواهدشد، چیزیکه باقی می ماند آموختن تخمین مسافات در زمین متنوع وبا تمام وسائل موجوده‌است و درعین حال تشخیص اشتباهات احتمالی وضمیمه نمودن اشتباهاتی است که دراثر باد حاصل میشود. باین وسیله تهیه تیر یعنی نشان کردن زمین برای آنها عادت‌ثانوی میشود و ازهمین راه است که چه درتعرض وچه دردفاع میتوان یك مأموریت‌آتش رابدون اسراف فشنگ اجرا نمود.

البته همه این کارها امروز هم عملی میشود ولی تاچه اندازه سطحی و ناقص است که اگر از یك فرمانده واحد سئوال کنند چند نفر گروهبان قابل دارد که

بتواند در تعرض یا دفاع درست و بسرعت از عهدهٔ تهیه آتش برآید جواب رضایت بخش نمی تواند بدهد!

پس از یك طرف لازمست مشقهای متعددی بدقت تهیه شود که درزمینهای مختلف اطراف سربازخانه بسهولت قابل اجرا باشد و مخصوصاً این مشقها را بخوبی اداره نمایند که ازهریك نتیجه مطلوب عملاً حاصل بشود.

در نظامنامه ها نیزبایدراجع بقواعد عملی هدایت آتش درمسافات متوسط و بزرك بنا بر چگونگی هدفها و همچنین تهیه تیر ها دستورات روشن و کاملتری درج گردد.

***

اما راجع بعمل تیر اندازی

اگذشته از تعلیمات انفرادی تیر انداز که میدان تیر ساخلوها غالباً برای آن کافی نمی باشد (ستاند بعضی از آنها بیش از ۲۰۰ متری نیست) از لحاظ تعلیم و هدایت آتش برای کادرهای زیردستما بجز اردوگاههای تعلیماتی جای دیگری را نداریم. ازطرف دیگر از چند هفته اقامت در اردوگاه فقط قسمتی از آن صرف تیر اندازی میشود وبیشتر باجرای تیرهای اجتماعی دسته، گروهان وحتی گردان می پردازند. اما اجرای این تیرها هم برای تربیت و ورزیدگی فرماندهان دسته و فرماندهان گروه دروظیفهٔ اصلی خودشان که عبارت از هدایت و اداره کردن آتش است تأثیر زیادی ندارد.

برای اینکه فرماندهان گروه و فرماندهان دسته درفن خود مهارت پیدا کنند یعنی بتوانند باندك مدت و با یك سبك مؤثری هدفهائی را که در مسافات مختلف در جلو آنها ظاهر میشود زیر آتش بگیرند، تیرهای خود را با فعالیت دشمن و احتیاجات واحدهای مجاوری که در حرکت هستند وهمچنین با اهمیت و نوع هدف وفق بدهند، باید میدانهای تیراندازی مخصوصی برای آنها تهیه نمود و در این میدانها هدفهای مستور را طوری قرار داد که هریك دارای یك جان پناه با تلفون و وسائل

علامت دادن باشند و مدیر تعلیمات تیر اندازی بتواند آناً آنها را بکار بیاندازد و مأمورین هدف هم بتوانند با علامت معین کنند که نتیجه تیرها مؤثر بوده و هدف را از کار انداخته است یا آنکه تاثیری نداشته و هدف خنثی نشده‌است.

باین ترتیب وقتی که در اثر تیر اندازی بروزاتی از طرف هدف نشان داده شد و معلوم گردید که دشمن آتش خود را قطع نموده یا ادامه میدهد، مجبور به توقف شده یا حرکت مینماید. مجریان تدریجاً به کیفیات هدفهای فرّار و لزوم سرعت تیر اندازی بآنها آشنا شده ودر تصمیم آتش ورزیده میشوند.

البته این قبیل تعلیمات بایستی بخوبی و ازروی بصیرت وکاردانی تهیه‌واداره بشوند و مدیر تعلیمات حوادث را طوری تنظیم کند که تأثیرآتش در ذهن مجریان کاملاً مجسم بشود.

هر قدر وضعیات میدان تیر اندازی‌و کیفیات هدفها نزدیکتر بوضعیات میدان نبرد واقعی باشد ومدیر تعلیمات در مجسم ساختن نتایج آتش بیشتر دقت و مراقبت بخرج بدهد، نتایج بهتری حاصل خواهد شد.

ترجمه واقتباس ازمجله پیاده نظام فرانسه

غ. ح.

پارهٔ اطلاعات راجع بارتشهای اروپائی

برای اینکه مطالعات ما جامع باشد تغییر قوا و بودجه بعضی از ارتشهای اروپائی را در ۱۰ سال اخیرمورد بررسی قرار میدهیم چه ازسنهٔ ۱۹۲۷ که عملیات کمیسیون تفتیش اسلحه متفقین راکد مانده ، آلمان آزادانه شروع به تهیهٔ اسلحه نموده است .

فرانسه ـ خدمت یکسالهٔ ارتش بمناسبت رسیدن بیستمین سال جنك به دو سال تمدید یافته . زیرا در نتیجهٔ کمی تعداد مشمولین در عوض ۲۳۰۰۰۰ نفر بیش‌از ۱۲۰۰۰۰ نفرمشمول وجود نداشت . بواسطهٔ همین اقدام وبعضی اقدامات تکنیکی دیگرارتش تحت السلاح داخلی کشور ۴۷۰۰۰۰ باقی‌مانده است ، درصورتیکه ژاندارمری گارد سیارونیروی هوائی‌را محسوب داریم‌وهمچنین ۸۰۰۰۰ نفر قوای انتظاماتی مستملکات که در فرانسه نخواهند بود .

تمام‌این قواتشکیل ۲۸ لشگر میدهد که ۲۰ لشگر داخلی ـ ۴ لشگر شمال افریقا ـ ۴ لشگر مستملکاتی وبالاخره ۵لشگرسوارنظام که یکی‌ازآنهاموتوریزه‌میباشد .

این قوا با ۳۰۰۰ ارابه جنگی (ارابه های کوچك، متوسطوبزرك که وزن آنها بین ۶ الی ۷۰ تن است) تقویت شده . هوا پیمائی در داخله دارای ۱۰۰ گروه است در حدود ۱۰۰۰ طیاره که در مواقع لزوم میتوانند فوری بکار بیافتد از سیستم های مختلف ۱۴ گروه (۱۵۰ هوا پیما) که در افریقای شمالي است و کلیةً ۱۲۰۰ هوا پیما خواهد شد .

بودجهٔ ارتش تا سنهٔ ۱۹۲۶ کلیه چهار میلیارد فرانك بود که برای پیش بینی تهیه های لازم در مقابل همسایه غربی ازسنهٔ ۱۹۲۶ شش میلیارد شد ولی در سنهٔ ۱۹۲۹ به هفت میلیارد رسید و قسمت عمده برای ساختمان و تهیهٔ خط «ماژینو» مصرف گردید. در سنهٔ ۱۹۳۵ ۶۴۰۰ میلیون فرانك شده و در سنهٔ ۱۹۳۶ به ۶۲۰۰ میلیون تقلیل یافت.

در بودجه پیش بینی شده ۱۹۳۷ـ۱۱۴۰۰ میلیون فرانك برآورد شده و باضافه ۱۳۰۰ میلیون فرانك برای هوا پیمائی.

آلمان ـ در نوامبر ۱۹۳۵ پس از برقراری خدمت و کار اجباری قوای دائمی در کشور آلمان بشرح ذیل گزارش داده شد:

قوای «رایش ور»	۵۳۰۰۰۰
پلیس نظامی	۳۰۰۰۰
قوای متمرکز در سرباز خانه	۴۰۰۰۰
کارگران	۲۰۰۰۰۰
نفر جمع کل	۸۰۰۰۰۰

بطوری که دراین ارقام ملاحظه میشود تعداد افراد قدیمی خیلی زیاد است و در اولین روز یك حادثه جنگی ممکن است فوری حاضر گردند.

در ۲۸ اوت گذشته هیتلر خدمت دو سال را تصویب نمود. ازاین تاریخ عده قوای آلمان درزمان صلح مطابق تعداد ذیل شد:

افراد تجدیدی و داوطلب	۲۴۰۰۰۰
مشمولین ۳۵ که مرخص نشده اند	۱۶۰۰۰۰
طبقه ۱۹۱۵ که احضار شده اند	۳۷۵۰۰۰
مشمولین طبقات سابق که احضارشده اند	۲۰۰۰۰
پلیس حاضر خدمت که مربوط به ارتش است	۶۰۰۰۰
ارتش مخصوص درسربازخانه‌ها	۶۰۰۰۰
کارگران مخصوص	۲۰۰۰۰۰
جمع کل	۱۱۱۵۰۰۰ نفر

کلیه این ارتش تشکیل ۲۶ لشکر پیاده را میدهد که ۳ لشکر آن مکانیزه و یك چهارم درشرف مکانیزه شدن است باضافه یك تیپ مستقل سواره نظام ـ تمام این لشکرها تشکیل ۱۰ سپاه را میدهند که بسه قسمت شده است:

دسته ارتش برلن ـ مرکب از یازده لشکر، یك لشکر مکانیزه، یك تیپ مستقل سواره نظام که بمنظور جبهه شرقی وطرف لهستان است

دسته ارتشهای «کاسل» ـ که قوی ترین قوا ومرکب از ۱۲ لشکر پیاده است دولشکر مکانیزه و یك لشکر مکانیزه دیگر درشرف تشکیل بطرف جبهه غرب است (فرانسه، بلژیك وسویس)

دسته ارتشهای «رسد» مرکب از ۱۳ لشکر پیاده باز بطرف جبهه شرق

لشکر های مکانیزه دارای تشکیلات مهیبی میباشند وهر یك شامل یك تیپ دو هنگی ارابه جنگی (در حدود ۵۰۰ ارابه) یك تیپ تیر انداز دو هنگی، قسمت اکتشافی با اتومبیل های زره‌پوش ـ یك گردان مهندس ـ یك قسمت توپ ضد ارابه و یك هنگ توپخانه.

تعلیمات ابتدائی در آلمان از سن ۶ سالگی اجباری است و اول کاملاً جنبه ورزشی داشته ولی تدریجاً بقدری سخت ومشکل میشود که درسن ۲۰ سالگی وقتي افراد برای خدمت و کار خوانده میشوند مثل سرباز واقعی میباشند

قوای نظامی بواسطه ۲۰۰۰ ارابه جنگی تقویت شده ـ اکثر این ارابه ها ازارابه های سبك ۵ و ۶ تنی است وکمی ازارابه های ۱۸ و ۲۰ تنی ـ اخیراً ارابه هائی بوزن ۷۰ تن نیز مورد آزمایش قرار گرفته است

هواپیمائی قبل از نقض معاهدهٔ ورسای نیز مورد دقت کامل رایش بود بطوری که درآن زمان بیش از ۲۰۰۰ هواپیما موجود بود ولی پس از نقض معاهده‌ورسای نیز با سرعت فوق‌العاده‌ای شروع بتهیه وساختمان هواپیماها بطورسری نمودند زیرا نمونه های اصلی این هواپیماها مدتها بود که تهیه وبررسی شده بود

بودجه ارتش آلمان در سنه ۱۹۲۷ ـ ۶۵۰ ملیون مارك بود که تقریباً ٤ ملیارد فرانك میشود. درسنه ۱۹۳۵ (که از آن تاریخ دیگر هیچگونه بودجهٔ

منتشر نشده) بودجه قطعی که با درنظر گرفتن مخارج میتوان حدس زد ۱۱۰۰ ملیون مارك یا ۷ ملیارد فرانك بوده است

ایطالیا ـ مدت خدمت اجباری در این کشور ۱۸ ماه است

در سنه ۱۹۳۵ بواسطه جنك حبشه تمام افراد حاضر السلاح زیر اسلحه باقی ماندند بطوریکه در آن تاریخ ارتش ایطالیا ۱۲۰۰۰۰۰ نفر بود ولی بعداً بحال عادی درآمد و امروزه تصور نمیرود ارتش ایطالیا از ۵۰۰۰۰۰ نفر تجاوز نماید . ارتش عملیاتی حبشه درسنه ۱۹۳۷ تبدیل بیك ارتش مستملکاتی درحدود ۷۰۰۰۰ نفر خواهد شد که ۵۰۰۰۰ نفر آن بومی خواهد بود

درصورت شروع جنك ، ایطالیا دارای ۸ ملیون سرباز خواهد بود ولی نظر به ملاحظات مالی تصور نمیرود بتواند بیش از ۵ یا ٦ ملیون سرباز حاضر نماید

باید متذکر شد که در جلسه ۲۰ مه گذشته شورای فاشیست تصمیم گرفته اند کلیه افراد فاشیست از سن ۲۰ الی ۵۵ سالگی بایستی حاضر برای خدمات نظامی باشند . گر چه این تصمیم سرباز زیاد تری برای کشور تهیه نمینماید ولی عده زیادی افراد فاشیست را تحت اختیار حکومت میگذارد که در هرموقع بدون زحمت قانونی ممکن است ازآنها استفاده نمایند. این سیستم بوسیله یك سلسلهٔ تعلیماتی که از سن ٦ سالگی در کشور شروع میشود کامل شده است

ایطالیا برای تکمیل کردن ارتش خود از هیچ اسلحه جدیدی فروگذار ننموده است

راجع به ارابه جنگی نمونه اصلی تحت ساختمان است ولی حالیه ۲۰۰ ارابه قدیمی فیات ٦ تنی و ۱۰۰۰ ارابه جدید « آنسالو فیات » سه تنی دارند که کمتر محفوظ ولی خیلی سریع است و در کوهستان قابل استفاده میباشد

هواپیمائی ایطالیا از لحاظ تعداد و ساختمان خیلی خوب و مرکب از ۲۱۰ گروه که بیش از ۲۰۰۰ هواپیمای بمباردمان وجنگی است

بعد از ۱۹۲۷ بودجه ارتش ایطالیا بین ۲۵۰۰ و ۳ ملیارد لیر (۳۰۰ و ٤ ملیارد فرانك) در تغییر بوده (بدون اینکه مخارج جنك حبشه را محسوب نمائیم)

روسیه - با مشمولین سالیانه که درحدود یك میلیون است و سایر افرادی که برای خدمت احضار میشوند روسیه بطور دائم ۱۳۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ سرباز دارد .

این قوا به ٥٦ لشکر پیاده نظام کامل و ۲۸ لشکر خدمه که ۱۱ ماه خدمت مینمایند تقسیم شده اند

باضافه ٦ لشکر سوار و ۱٦ لشکر سوار گارد و ٦ لشکرسوارنظام مختلط دارند .

تعلیمات اولیه دوسال است که دراردوگاه های مخصوصی به جوانان داده میشود

اگر وضعیت نظامی اجازه دهد روسیه میتواند ۱۳ ملیون سرباز در موقع لزوم احضار نماید

حالیه روسیه دارای ۲۵۰۰ ارابه جنگی است (ارابه های کوچك دو وسه تنی - ارابه های متوسط شبیه ارابه ویکرس وکاردن للوید انگلیسی ۷ تنی و ارابه های جنگی بزرك شبیه ارابه های «کریستی» امریکائی)

هوا پیمائی در این کشور خیلی قوی و زیاد است . بواسطه هیئت مخصوص (اسواویاخیم) حالیه روسیه دارای خلبانهای درجه اول است . گرچه بعضی سیستمهای طیارات قدیمی است در هر حال امروزه ٤۹۰ گروه دارد که مرکب از ۵۰۰۰ هوا پیما می باشد و از این تعداد ۸۰ گروه در شرق اقصی متمرکز است .

وجوهی که بمصرف این مخارج میرسد خیلی زیاد است ولی بطور تفکیك نمیتوان تعیین کرد

از سنه ۱۹۲۷ تا سنه ۱۹۳۳ بودجه ارتش از ۸۳۰ ملیون روبل (۱۱ ملیارد فرانك) به ۱٦۷۰ ملیون روبل (۲۱ ملیارد فرانك) رسید . ولی یك مرتبه بودجه دفاع ملی درسنه ۱۹۳٤ ۵ ملیارد روبل شده (٦۷ ملیارد فرانك) ودرسنه ۱۹۳۵ـ٦۵۰۰ ملیون روبل (۸۷ ملیون فرانك) گردید . گرچه این ارقام خیلی زیاد و فوق العاده است ولی میتوان نتیجه گرفت که روسیه کاملاً علاقه مند بدفاع ملی خود میباشد بقیه دارد ترجمه واقتباس از منابع خارجی

عنوان مشترکین

....